ازدواج
پیوند آسمانی



جلد ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

ازدواج (پیوند آسمانی) از دیدگاه قرآن و سنّت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ازدواج از دیدگاه قرآن و سنّت (جلد ۱)

مشخصات کتاب

عنوان: ازدواج (پیوند آسمانی) از دیدگاه قرآن و سنّت (جلد ۱) مؤلف: دکتر محمّد بیستونی ویراستاری و تایپ و صفحه آرایی: سهیلا شاکری، فاطمه سرزهی گروه تحقیق: لیلا ـ حمداللهی، زهره نوری‌خانی، علیرضا مقسمی امور فنی و رایانه: روح‌اللّه کریمیان مدیر اجرایی: علی اکبر هادی چاپ و صحافی: شرکت رایانه پرداز نگارش نوبت و تاریخ چاپ: اول، سال ۱۳۸۴ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه ناشر: انتشارات بیان جوان شابک: ۷-۳۸-۸۳۹۹-۹۶۴ -۹۶۴ :ISBN نشانی: تهران خیابان پاسداران بین گلستان هشتم و نهم (روبروی پمپ بنزین) شماره ۳۵۳ طبقه همکف واحد ۴ تلفکس: ۰۹۱۲۱۰۸۵۳۲۲۲۲۵۸۹۶۲۶ E_mail: dr_ bistooni@tafsirejavan.com ***** بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ ازدواج (پیوند آسمانی)از دیدگاه قرآن و سنّت =Marriage in Quran and tradition/ با نظارت محمد بیستونی؛ گروه تحقیق لیلا حمد اللهی، زهره نوری، علیرضا مقسمی؛ با همکاری و کارشناسی اسداللّه اسدی گرمارودی.- تهران: بیان جوان، ۱۳۸۴. ۴۱۷ ص.؛ 11X17 س م.-- (سری کتابهای روش انس با قرآن) ISBN: ۹۶۴-۸۳۹۹-۳۸-۷ فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا. کتابنامه به صورت زیرنویس. ۱.زناشویی (اسلام). الف. حمداللهی، لیلا، ۱۳۵۷ -. ب. نوری، زهره. ج. مقسمی، علیرضا. د. اسدی گرما رودی، اسد اللّه، ۱۳۴۰ -. ه. عنوان. ۴الف ۹ب/۱۷/ ۲۳۰ BP ۴۸۳۱/۲۹۷ کتابخانه ملی ایران ۱۵۴۸۶ ۸۴م

مقدمه

اَلْاِهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَةِ الْمُصْطَفی وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، السِّبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الأَئِمَّةِ التِّسْعَةِ الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ سِیَّما بَقِیَّةِ اللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ، الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ الْاَوْلِیاءَ وَ یا مُذِلَّ الْاَعْداءِ اَیُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَ السَّماءِ قَدْ مَسَّنا وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَةٍ مُزْجاةٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَةِ رَحْمَةٍ مِنْکَ اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ (صفحه ۴)

متن تأییدیه حضرت آیت اللّه خزعلی مفسّر و حافظ کل قرآن کریم

بسم اللّه الرحمن الرحیم هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته‌هایی نو پدید می‌آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسائل صنعتی و رسانه‌های بی‌سابقه خواسته‌ها مضاعف می‌شود و امروز با اختلاف تمدن‌ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان‌های گوناگون و خواسته‌های متنوع ظهور می‌یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان‌گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشاند و رشد داد. جناب

آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی (صفحه ۵) شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می‌کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله‌ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیر تفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی به رویشان گشاده شود. آمین رب العالمین. ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵ ۲۱ خرداد ۱۳۸۳ ابوالقاسم خزعلی (صفحه ۶)

تعریف ازدواج

تعریف لغوی: این واژه در لغت به معنی آمیزش جنسی و عقد است که برخی از پیشوایان لغت، وضع آن را در معنی اول و برخی دیگر در معنی دوم و بالتبع در دیگری به استعاره دانسته‌اند. این واژه در اصطلاح شرعی نیز عقدی است که به نحوه خاص، مشتمل بر ایجاب و قبول بین زن و مرد منعقد می‌گردد. در قرآن کریم بیش از پنجاه آیه به مسأله نکاح و لواحق آن اختصاص یافته است. ازدواج در قرآن کریم با عبارات مختلفی از جمله، ازدواج، انکاح و ... بیان شده است، زوج(۱) به هر دو قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات و گیاهان و انسانها اطلاق می‌شود که با هم ازدواج یافته‌اند. «ازدواج» (۲) یعنی با هم جفت شدن و ***** ۱- قاموس قرآن قرشی. ۲- فرهنگ فارسی عمید. (صفحه ۷) جفت گرفتن یا زن گرفتن مرد و شوهر کردن زن، و «انکاح» (۱) از باب افعال یعنی تزویج کردن زنی با مردی و بالعکس و همچنین به معنای بسته شدن و گره زدن زن و شوهر به یکدیگر می‌باشد. زوج و ازدواج در انسانها و جانداران در آیاتی چند بیان شده از جمله: وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ...: و از نشانه‌های او اینکه خلق کرد برای شما از خود شما جفت‌هایی تا با آنها انس بگیرید و آرامش یابید و قرار داد بین شما دوستی و رحمت ...».(۲) «فاطِرُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً وَ مِنَ الْأَنْعامِ أَزْواجاً ***** ۱- قاموس قرآن قرشی. ۲- ۲۱ / روم. (صفحه ۸) یَذْرَؤُکُمْ فیهِ ...: او آفریننده آسمانها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرارداد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله (به وسیله همسران) تکثیر کند، ...».(۱) «وَ الْأَرْضَ مَدَدْناها وَ أَلْقَیْنا فیها رَواسِیَ وَ أَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهیجٍ: و چگونه زمین را گسترانیدیم و در آن کوهها افکندیم و در زمین رویاندیم از هر گیاهی جفت که خوش منظره و بهجت‌آور است».(۲) سُبْحانَ الَّذی خَلَقَ الْأَزْواجَ کُلَّها مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لا یَعْلَمُون: منزّه است آن کسی که تمام «زوج‌ها» را خلق کرد تماما از آنچه از زمین روییده می‌شود و از خود آنها». (۳) ***** ۱- ۱۱ / شوری. ۲- ۷ / ق. ۳- ۳۶ / یس. (صفحه ۹) «ثَمانِیَةَ أَزْواجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَیْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَیْنِ: هشت جفت از نر و ماده از چهارپایان آفرید، از میش دو جفت و از بز دو جفت ...» (۱) وَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ: و از هر چیزی جفت خلق کردیم شاید شما متذکر شوید».(۲) در اسلام و قرآن، ازدواج از مبانی زندگی سالم و معنوی معرفی شده تا آنجا که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله نکاح را سنت خود معرفی کرده و فرموده است «هر کس از سنّت من روی گرداند، از من نیست» (۳). ازدواج حادثه‌ای مهّم و باارزش، بلکه ***** ۱ - ۱۴۳ / انعام. ۲ - ۴۹ / ذاریات. ۳- بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۱۲۲۰. (صفحه ۱۰) تولّدی دوباره برای انسان است ازدواج یعنی تشکیل زندگی مشترک و یکی شدن برای رسیدن به آرامش و حفظ نسل و تربیت انسانهای برتر از خود، از آنجا که غریزه جنسی غریزه‌ای است سرکش و نیرومند و ریشه‌دار که در نهاد هر بشری قرار داده شده است و روشن است که وجود این غریزه تنها برای لذت بردن و تمتع نیست بلکه اثر وجودی این غریزه روی نظام حکیمانه الهی و برای تولید نسل

و بقـاء نوع بشـر است. اصولاً خویشـتنداری در برابر آن نیاز به تقوی و پرهیزکاری فراوان و ایمان قوی و نیرومنـد دارد بنابراین تنها راهی که بتواند جوابگوی تمام خواسته‌های جنسی باشد ازدواج مشروع و قانونی و گرفتن همسر است. خداوند در این باره می‌فرمایـد: «إِلَّا عَلی أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومینَ. فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ العادُونَ: و آنها که تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند (صفحه ۱۱) که در بهره‌گیری از آنها ملامت نمی‌شونـد. و هر کس غیر این طریق را طلب کند، تجاوزگر است».(۱)

ازدواج یک سنت الهی است

گرچه امروز مسأله ازدواج آن قـدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیـده شـده که به صورت یک جاده صـعب العبور برای جوانـان درآمـده است ولی قطع نظر از این پیرایه‌هـا ازدواج یـک حکم فطری و هماهنـگ قـانون آفرینش است که انسـان برای بقـاء نسـل و آرامش جسم و روح و حـل مشـکلات زنـدگی احتیـاج به ازدواج سـالم دارد. اسـلام که هماهنگ با آفرینش گـام برمی‌دارد نیز در ایـن زمینـه تعـبیرات جـالب و ***** ۱– ۶ و ۷ / مؤمنون. (صـفحه ۱۲) مـؤثری دارد. از جمله حـدیث معروف پیـامبر است: «ازدواج کنیـد تـا نسـل شـما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شـما در قیامت به دیگر امّت‌ها مباهات می‌کنم».(۱) و در حـدیث دیگری از آن حضـرت می‌خـوانیم: «کسـی که همسـر اختیـار می‌کنـد نیمی از دین خـود را محفوظ داشـته و بایـد مراقب نیم دیگر باشد» (۲). باز در حـدیث دیگری می‌فرمایند: «بدترین شـما مجردانند» (۳). و همچنین فرمودهانـد: «هرکه برای پاک نگه داشـتن خود از آنچه خداونـد حرام کرده است ازدواج کند بر خداست که به او کمک کند» (۴). ***** ۱– سـفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۵۶۱. ۲– سـفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۵۶۲. ۳– مجمع البیـان، ذیـل آیه مورد بحث. ۴– میزان الحکمهٔ، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۲. (صفحه ۱۳) این احادیث نشان می‌دهـد که ازدواج یـک سـنت الهی است و از محبوب‌ترین عبادت‌ها به حساب می‌آیـد و با اقدام به این امر مقدس، لذت زندگی را می‌توان احساس کرد و دین و شخصـیت اجتماعی را از سقوط و انحراف و هوس‌های شیطانی حفظ کرد.

اهمیت و فضیلت ازدواج

«وَ أَنْکِحُوا الْأَیـامی مِنْکُمْ وَ الصَّالِحینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَ إِمائِکُمْ إِنْ یَکُونُوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْـلِهِ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلیمٌ: مردان و زنان بی‌همسـر را همسـر دهیـد و همچنین غلامان و کنیزان صالـح و درسـتکارتان را اگر فقیر و تنگـدست باشـند خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد، خداوند واسع و آگاه است».(۱) ***** ۱– ۳۳ / نور. (صفحه ۱۴) خداونـد متعال در قرآن مجید و پیشوایان و امامان معصوم در احادیث خود بدان ترغیب می‌نمایند و این امر مهم را یک فریضه مقدس و پر ثمر معرفی می‌کنند که در زیر به چنـد مورد از آنهـا اشـاره می‌شود: پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله می‌فرماینـد: «هیـچ بنایی در اسـلام، به انـدازه ازدواج، ارزشـمندتر و محبوب‌تر در پیشـگاه خداونـد متعـال نمی‌باشـد» (۱). امام صادق علیه‌السـلام می‌فرماینـد: «هیـچ لذّت و عیشـی در دنیـا و آخرت، بالاـتر از مجـامعت بـا زنان و ازدواج نمی‌باشـد».(۲) «ارزش هیـچ چیز نزد خداونـد متعـال، به انـدازه خـانه‌ای نیسـت که برای ***** ۱– وسایل الشـیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳. ۲– روضـهٔ المتقین، جلد ۸، صفحه ۸۸. (صفحه ۱۵) ازدواج ساخته می‌شود».(۱) امام محمّدباقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از شب زنده‌داری شخص مجرد است که تمام شب را به نماز ایستاده و روزش را به روزه‌داری بپردازد».(۲)

ترغیب به ازدواج آسان و فراهم کردن مقدمات ازدواج برای افراد

«وَ أَنْکِحُوا الْأَیـامی مِنْکُمْ وَ الصّالِحینَ مِنْ عِبـادِکُمْ وَ إِمائِکُم ...: مردان و زنان ***** ۱- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۲۸. ۲- سفینـهٔ البحار، جلد ۲، صفحه ۱۸۳. (صفحه ۱۶) بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را اگر فقیر و تنگدست باشند. وَ اَنْکِحوا: ازدواج کنید، به همسری دهید. اَنْکِحْ: ازدواج کن. اَیاما: مردان بی‌همسر، زنان بی‌شوهر، دختران و پسران مجرّد، جمع‌ایم. صالِحینَ: شایستگان، نیکان، جمع صالح. عِباد: بندگان، بردگان، جمع عبد. اِماء: کنیزکان، برده‌های زن، جمع اَمَهٔ. آیه فوق علاوه بر اینکه به طور ضمنی هر فرد انسان را به نکاح و همسر گزینی ترغیب و توصیه می‌کند افراد جامعه را نیز به یک امر بالاتر از این موظف می‌دارد و به آنان فرمان می‌دهد که تسهیلات لازم را در امر ازدواج جوانانتان فراهم سازید. مسأله ازدواج و همسر گزینی را در جامعه گسترش دهید و از این طریق از شیوع فحشاء و فساد در جامعه جلوگیری نمائید. «اَنْکِحوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به (صفحه ۱۷) مسأله ازدواج و بالاخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست. بدون شکّ اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در هر زمینه به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است. چنانچه در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌خوانیم: «بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی تا این امر به سامان برسد».(۱) در حدیثی از امام کاظم علیه‌السلام می‌خوانیم: «سه طایفه‌اند که در روز قیامت در سایه عرش خداوند قرار دارند، روزی که ***** ۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۷. (صفحه ۱۸) سایه‌ای جز سایه او نیست: کسی که وسایل تجویز برادر مسلمانش را فراهم سازد و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت کننده‌ای برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد».(۱) و همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «هر گامی، انسان در این راه بردارد و هر کلمه‌ای بگوید، ثواب یک سال عبادت در نامه عمل او می‌نویسد».(۲) رسول خدا فرمودند: «مردان بدون همسر را زن بدهید زیرا با این کار خداوند اخلاق آنان را ***** ۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۷. ۲- وسایل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۷. (صفحه ۱۹) نیکو و روزی‌های آنها را زیاد می‌کند و بر جوانمردی آنان می‌افزاید».(۱) همچنین فرمودند: «هر کس برای رضای خدا ازدواج کند و برای رضای خدا کسی را به ازدواج دیگری درآورد سزاوار ولایت و دوستی خداست».(۲) و نیز فرمودند: «هرکه مؤمن عزبی را زن دهد تا آن زن همدم و مایه پشت گرمی و آسایش او باشد خداوند حورالعین بهشتی به همسری او دهد و در آنجا با ***** ۱- بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۲. ۲- المحجهٔ البیضاء، جلد ۳، صفحه ۵۳. (صفحه ۲۰) هریک از اهل خانواده و دوستان ایمانی‌اش که بخواهد همدم گرداند».(۱) امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «بهترین وساطت‌ها این است که در میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود تا سر و سامان بگیرند». (۲) بنابراین با استفاده از آیه مورد بحث و احادیث مربوطه نتیجه می‌گیریم که پیروان اسلام باید سعی کنند به سادگی و بدون تکلّفات و هزینه‌های کمرشکن، آن را در جامعه عملی و برگزار کنند و رسم‌های غیراسلامی را که مانع اجرای این امر مقدس در جامعه گردیده کنار بگذارند و تشویق در امر ازدواج مجردان و هرگونه کمک ممکن به این امر باشند، مخصوصا اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده و پدران و مادرانی را که بی‌تفاوت ***** ۱- میزان الحکمهٔ، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۴. ۲- میزان الحکمهٔ، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۴. (صفحه ۲۱) هستند شریک جرم انحراف فرزندان شمرده چنانکه در حدیثی از پیامبر می‌خوانیم: «کسی که فرزندش به حد رشد می‌رسد و

امکانات تزویج او را داشته است و اقدام نمی‌کند و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود این گناه بر هر دو نوشته می‌شود و وی شریک گناه فرزند خواهد بود».(۱)

ترک ازدواج به خاطر ترس از فقر و کیفر آن

«... اِنْ یَکُونُوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللّهُ واسِعٌ عَلیمٌ: اگر چنانچه فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد، خداوند واسع و *****۱- تفسیر مجمع‌البیان، جلد ۷، صفحه ۱۴۰. (صفحه ۲۲) آگاه است».(۱) اِنْ: اگر فقرا: نیازمندان فَضْل: کرم، فزونی، برتری یَکُونُوا: باشند، خواهند بود واسع، وسعت دهنده، گشایشگر عَلیم: دانا یُغنی: غنی می‌کند، بی‌نیاز می‌سازد. «ازدواج در اصل یک عمل مستحب مؤکد است و اما اگر کسی در اثر نداشتن همسر مرتکب گناه گردد در این صورت واجب است زن بگیرد و خود را از ارتکاب به حرام و از تحمل ناراحتی‌های جنسی نجات دهد».(۲) *****۱- ۳۳ / نور. (صفحه ۲۳) از آنجا که بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار مسئولیت الهی و انسانی، عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی را بیان می‌کنند در آیه فوق صریحا گفته شده است که «فقر» نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی‌نیازی می‌شود دلیل آن هم با دقت روشن می‌شود، زیرا انسان تا مجرد است احساس مسئولیت نمی‌کند نه ابتکار و نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج می‌کند نه به هنگامی که درآمدی پیدا کرد در حفظ و باروری آن می‌کوشد. اما بعد از ازدواج شخصیت انسان اجتماعی می‌شود و خود را شدیدا مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می‌بیند، به همین دلیل در حفظ درآمدهای خود و صرفه‌جویی آن، تلاش می‌کند. بی‌جهت نیست که در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: *****۱- توضیح المسائل، مسأله ۲۴۵۲. (صفحه ۲۴) «روزی همراه همسر و فرزند است».(۱) و پیامبر اکرم می‌فرمایند: «هر کس از بیم تنگدستی ازدواج نکند از ما نیست».(۲) و در حدیث دیگری از پیامبر می‌خوانیم: «مردی خدمت حضرتش رسید و از تهی دستی و نیازمندی شکایت کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ازدواج کن، او هم ازدواج کرد و گشایش درکار او پیدا شد».(۳) و در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داریم: «کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند گمان بد به خدا برده است زیرا *****۱- تفسیر نورالثقلین، جلد ۳، صفحه ۵۹۵. ۲- میزان الحکمهٔ، جلد ۵، صفحه ۲۲۵۲. ۳- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۵. (صفحه ۲۵) خداوند متعال می‌فرماید: «اگر آنها فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد» (۱). پیامبر اکرم در مورد تقبیح ترک ازدواج می‌فرماید: «شرورترین افراد شما مجردها هستند و چنین اشخاصی برادران شیطان هستند» (۲). از این احادیث استفاده می‌شود که ترک کننده ازدواج شخص بدبین، عقده‌ای و همکار شیطان و گرفتار گناهان است. البته باید به این نکته نیز توجه شود که این قسمت از آیه وظیفه افرادی را بیان می‌کند که زمینه و امکانات اولیه ازدواج را در حداقل آن، دارا می‌باشند و به علت فقر و بی‌چیزی از تأمین زندگی آینده نگرانند و امّا اگر زمینه و امکانات اولیه ازدواج را فاقد باشند حکم آن در آیه زیر بیان می‌شود. *****۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۴. ۲- جامع الاخبار، صفحه ۱۱۹. (صفحه ۲۶) «وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذینَ لا یَجِدُونَ نِکاحاً حَتَّی یُغْنِیَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ...: و آنها که وسیله ازدواج ندارند، باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را با فضل و کرم خویش بی‌نیاز سازد».(۱) اصل عفاف و صبر جنسی برای مرد و زن در تمام موارد و مواقع لازم و ضروری است، آنجا که انسان هیچ گونه وسیله و زمینه ازدواج در اختیار ندارد و فاقد امکانات اولیه ازدواج از قبیل مهر و کابین، نفقه و هزینه‌های لازم و امثال آن می‌باشد و یا موانع بازدارنده دیگری در میان وجود دارد و یا تاکنون کسی آماده *****۱- ۳۳ / نور. (صفحه ۲۷) ازدواج با او نگردیده است و به هر صورت از ازدواج کردن عاجز و ناتوان و محروم

می‌باشد. اهمیت بیشتری دارد و در این گونه موارد اسلام یک وظیفه به دولت و مسلمانان متمکّن دیگر متوجه می‌سازد که تسهیلات ازدواج این افراد را فراهم سازند و یک تذکر نیز به خود این افراد می‌دهد که عدم تمکّن از همسر گزینی هیچ گونه مجوّز فحشاء و بی‌بند و باری و اشباع غریزه جنسی از طریق غیرمشروع نیست و اینگونه افراد باید عفاف و صبر جنسی را پیشه خود سازند و از هرگونه گناه و آلودگی جنسی، خود را پاک، پاکدامن و مصون نگه بدارند، گرچه آزمایش بسیار سخت و دشوار است ولی خداوند به تدریج در نجات به روی آنها می گشاید و وسایل و امکانات لازم ازدواج را برای آنها فراهم می‌سازد. وَ لْیَسْتَعْفِفْ: باید عفاف بجوید. باید شرم و حیا کند. (صفحه ۲۸) اَلَّذینَ: کسانی که، جمع اَلَّذی. یَجِدُونَ: پیدا می کنند، می‌یابند. لا یَجِدُونَ: نمی‌یابند. نِکاح: همسر گزینی، ازدواج حَتّی: تا. یُغْنی: غنی می کند، بی‌نیاز می‌سازد پیامبر اکرم راه حفظ و پاکدامنی و عفت را این گونه بیان فرموده‌اند: «ای جوانان، هر کس توانایی دارد ازدواج کند، زیرا ازدواج سبب می‌شود از نوامیس مردم چشم فرو بندد و دامان خویش را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ کند و هر کس که توانایی ازدواج ندارد روزه بگیرد، زیرا روزه یکی از راه‌های مهار طغیان شهوت جنسی است».(۱) ***** ۱- اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۷۹. (صفحه ۲۹) امام علی می‌فرمایند: «هرگاه خداوند برای بنده‌اش خیر و خوبی بخواهد به او توفیق می‌دهد تا در برابر خواسته‌های شکم و شهوت خود عفیف باشد».(۱)

ترک ازدواج در ادیان دیگر

«فَنادَتْهُ الْمَلائِکَهُ وَ هُوَ قائِمٌ یُصَلّی فِی الْمِحْرابِ أَنَّ اللّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیی مُصَدِّقاً بِکَلِمَهٍ مِنَ اللّهِ وَ سَیِّداً وَ حَصُوراً وَ نَبِیًّا مِنَ الصّالِحینَ: و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: خدا تو را به «یحیی» بشارت می‌دهد، (کسی) که کلمه خدا (مسیح) را تصدیق می کند و رهبر خواهد بود و از هوس‌های سرکش برکنار و پیامبری از صالحان است.(۲) ***** ۱- غرر الحکم، جلد ۳، صفحه ۱۶۷. ۲- ۳۹ / آل عمران. (صفحه ۳۰) واژه «حَصُور» از «حَصْر» به معنی حبس گرفته شده، در اینجا به معنی کسی است که خود را از هوی و هوس، منع کرده است، این واژگان به معنی کسی که خودداری از ازدواج می کند، نیز آمده است. نخستین سؤالی که در اینجا پیش می‌آید که اگر «حَصُورا» به معنی ترک کننده ازدواج باشد، آیا این عمل برای انسان امتیازی محسوب می‌شود که درباره «یَحْیی» آمده است. در پاسخ باید گفت: اولاً هیچ گونه دلیل قاطعی بر اینکه منظور از «حَصُور» در آیه ترک کننده ازدواج است در دست نیست و هیچ بعید نیست که حصور در آیه به معنی ترک کننده شهوات و هوس‌ها و دنیاپرستی و صفتی همانند زهد بوده باشد. ثانیا: یحیی نیز همانند عیسی بر اثر شرایط خاص زندگی و اجبار به سفرهای متعدّد برای تبلیغ آئین خدا ناچار به مجرّد زیستن بوده است. و این یک قانون کلّی برای همه نمی‌تواند باشد و اگر خداوند او را به این صفت (صفحه ۳۱) می‌ستاید به خاطر این است که او بر اثر شرایطی خاص ازدواج نکرد ولی در عین حال توانست خود را از گناه حفظ کند و به هیچ وجه آلوده نشود، به طور کلی قانون ازدواج یک قانون فطری است و در هیچ آئینی ممکن نیست حکمی برخلاف این قانون فطری، تشریع گردد. بنابراین نه در قانون اسلام و نه در هیچ آئین دیگری ترک ازدواج کار خوبی نبوده است.

هدف از ازدواج سکونت و آرامش است

«وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّهً وَ رَحْمَهً إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ: و از

نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد، در این نشـانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می کننـد».(۱) (صفحه ۳۲) آیات: نشانه‌ها خَلَقَ: خلق کرد، آفریـد اَزْواجا: همسـر تَسْـكُنُوا: آرامش باطن و انس بگیرند جَعَلَ: قرار داد مَوَدَّة: دوستی رَحْمَة: مهربانی یَتَفَكَّرُون: می‌اندیشـند، تفکر می کنند خداوند در این آیه می‌فرماید: «دیگر از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابیـد» و از آنجـا که ادامه این پیونـد در میـان همسـران خصوصـا و در میان همه انسانها عموما، ***** ۱- ۲۱ / روم. (صفحه ۳۳) نیاز به یک جاذبه و کشـش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می کند: «و در میان شما مودت و رحمت قرار داد». جـالب اینکـه قرآن در ایـن آیه هـدف ازدواج را سـکونت و آرامش قرار داده است و بـا تعـبیر پرمعنی «لِتَسْـكُنُوا» مسـائل بسـیاری را بیان کرده است و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است. به راستی وجود همسـران با این ویژگی‌ها برای انسانهـا که مـایه آرامش زنـدگی آنهـا است یکی از مـواهب بزرگ الهی محسـوب می‌شـود، این آرامش از اینجـا ناشـی می‌شود که این دو جنس مکمّـِل یکـدیگر و مـایه شـکوفایی و نشاط و پرورش یکـدیگر می‌باشـند به طوری که هریک بـدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومنـدی وجود داشـته است و همچنین ایـن آرامش و سـکوت هـم از نظر جسـمی اسـت و هم از نظر روحی، هم از جنبه فردی و هم اجتمـاعی. هنگـامی که انسـان از مرحله تجرّد گام به مرحله زندگی می گذارد شخصـیت (صفحه ۳۴) تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتر می کند و ایـن اسـت معنی احسـاس آرامش در سـایه ازدواج. و امـا مسأله «مـودّت» و «رحمـت» ، در حقیقـت ملاـط و چسـب مصـالح ساختمـانی جـامعه انسانی است چراکه جامعه از فرد فرد انسانها تشـکیل شـده، اگر این افراد پراکنـده و آن اجزاء مختلف با هم ارتباط و پیونـد پیدا کنند جامعه‌ای به وجود نخواهد آمد. فرق میان «مودّت» و «رحمت» ممکن است از جهات مختلف باشد. ۱ «مودّت» انگیزه ارتباط در آغاز کار است، اما در پایان یکی از دو همسـر ممکن است ضـعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشـد «رحمت» جای آن را می گیرد. ۲ «مودّت» در مورد بزرگترها است که می‌توانند نسبت به هم خدمت (صـفحه ۳۵) کنند اما کودکان و فرزندان در سایه «رحمت» پرورش می‌یابند. ۳ «مودّت» غالبا جنبه متقابل دارد، امّا رحمت یک جانبه و ایثارگرانه است، زیرا برای بقاء یک خانواده خـدمات متقابل لازم است که سرچشـمه آن مودت است و گاه خدمات بلا عوض که نیاز به ایثار و «رحمت» دارد. البته خداونـد آیه «مودّت» و «رحمت» را میان دو همسـر بیان می کنـد و اشاره دارد که خانواده بدون این دو اصل امکان‌پذیر نیست و از میان رفتن این دو پیوند و حتی ضعف و کمبود آن، مایه هزاران بدبختی، ناراحتی، اضطراب در خانواده و جامعه است.

ازدواج وسیله‌ای برای حفظ نوع بشر و وسیله‌ای برای تربیت فرزندان صالح

«نِساؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ: زنان شما موضع کشت شمایند پس (صفحه ۳۶) هرگاه که خواستیـد می‌توانید با آنها آمیزش نمائید و برای خودتان پیش فرستید و تقوا بورزید و بدانیـد او را ملاقـات خواهیـد کرد و بـه مؤمنین بشـارت رحمـت ده» (بـا تربیـت فرزنـد خـوب اثر نیکی برای خـود از پیش بفرستید).(۱) در این آیه زنان تشبیه به مزرعه شـده‌اند و در حقیقت موقعیت زنان مانند زراعتی است که احتیاج به زمین مساعد و تخم سـالم و آبیـاری به موقع دارد تـا بهره بدهـد و در حقیقت قرآن می‌خواهـد با این بیان ضـرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسّم کند که زن یک وسـیله اطفاء شـهوت نیست، بلکه وسـیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر. همانطور که انسان برای ادامه زنـدگی به تغـذیه نیاز دارد و ***** ۱- ۲۲۳ / بقره. (صفحه ۳۷) بـدون کشت و زرع مواد غـذایی حیات او تأمین

نمی‌شود، برای ادامه نوع خود نیز نیازمند به وجود زن است. «حَرْثَ» مصدر است و به معنی بذرافشانی است و گاهی به محل زراعت که «مزرعه» می‌باشد اطلاق می‌شود. «اَنّی» از اسماء شرط است و غالبا به معنی «مَتی» که به معنی زمان است استعمال می‌شود و گاهی به معنی کلان هم استعمال می‌شود. از کلمه «اَنّی» اگر زمانیه باشد توسعه در زمان آمیزش جنسی با زنان استفاده می‌شود که شامل تمام ساعات شب و روز می‌گردد یعنی آمیزش جنسی در هر ساعتی مجاز است و اگر مکانیه باشد، منظور توسعه در مکان و محل و چگونگی آمیزش است. جامعه اسلامی برای بقای نوع و نسل محتاج به زنان است زیرا که خداوند تکوّن انسان و مصوّر شدن او را در رحم زنان مقرر نموده و مردان را جزئی از (صفحه ۳۸) آن قرار داده و هدف از ازدواج و آمیزش جنسی تنها لذت و کامجویی نیست بلکه باید برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته استفاده نمود تا وسیله‌ای برای یاد خدا و ذکر او باشد و فرزندان صالح کارهای نیک انجام دهند و خیر و ثوابش عاید خود و پدر و مادر خود باشد. پس منظور از «قَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُم» پیش فرستادن عمل صالح برای قیامت است. در آخر آیه توصیه به تقوی می‌نماید: در آمیزش هم باید رعایت تقوی بشود و از حدود و مقررات آن تجاوز ننمایند و بدانند که سرانجام کار در قیامت با خداوند است و مؤمنین را بشارت دهند به پاداش اعمال نیکشان. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «هنگامی که انسان بمیرد برنامه عمل وی نیز تمام می‌شود و دیگر نمی‌تواند پس‌اندازی برای خویش تهیه کند مگر به وسیله سه چیز که اگر آنها را داشته (صفحه ۳۹) باشد پس از مرگ برای او نتیجه بخش خواهد بود. «صدقه جاریهٔ» آثار خیری که در مجرای منافع اجتماعی همواره به کار گرفته شود. همچون مسجد، مدرسه، بیمارستان و مانند آن، «آثار علمی» چون تألیفات کتاب و یا پرورش شاگرد. «پرورش فرزندان صالح» که برای پدر و مادر خود با عمل و سخن طلب آمرزش کنند». بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ثمره اصلی ازدواج، داشتن فرزندان صالح است و تمام لذایذ طبیعی و پاداش اخروی و انس و محبت‌ها در میان زن و شوهر، برای تحمّل تربیت و تولید فرزندان استوار است و لذا روایات اسلامی پیروان خود را برای تزویج با افراد زیاد تشویق نموده‌اند. مولا علی علیه‌السلام از پیامبر خدا نقل می‌کند که فرمودند: «هر کس دوست دارد پیرو آئین من باشد بداند که ازدواج جزئی از آئین من (صفحه ۴۰) است سعی کنید که به وسیله ازدواج بچّه‌دار شوید زیرا در میان سایر امّت‌ها، به زیادی پیروانم مباهات می‌کنم».(۱)

آثار دنیوی ازدواج

ازدواج علاوه بر اینکه تکلیف دینی و سنت الهی و نبوی است ثمرات و میوه‌های شیرین نیز دارد، یک انسان متأهل علاوه بر تعبد و پیروی از دستورات الهی با ازدواج خویش سعادتمند شده و از مرز انزوا و تجرّد به کانون اجتماع و مسئولیت قدم می‌گذارد و متقابلاً از سوی دیگران و اجتماع مردم اعتبار و ارزش بیشتری کسب می‌کند و مورد احترام و استقبال سایر انسانها قرار می‌گیرد. عاطفه انسان دوستی و به ویژه عواطف پدر و مادری در چنین فردی شکوفا ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳. (صفحه ۴۱) می‌شود و هر گاه یک موضوع ناراحت‌کننده و یا احیانا انحرافی پیش آید به کانون مقدّس خانواده پناه می‌برد و با اعصابی آرام و آرامش خاطر به کار خود می‌پردازد. بنابراین ضرورت ازدواج بر تمام انسانها که غریزه خود را از بین نبرده و اهل فحشاء نمی‌باشد معلوم است. امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کنند: «که جوانی به محضر مبارک رسول خدا آمده و از فقر شکایت کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عنوان چاره‌جویی فرمود: برو ازدواج کن. یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، آن جوان را دیده و گفت: من دختر زیبایی دارم و می‌خواهم او را بر تو تزویج کنم و آن جوان نیز سفارش رسول خدا را جامه عمل پوشانید و خداوند نیز در روزی او گشایش عجیبی فراهم کرد».(۱) ***** ۱- شرح من لا

یحضر، جلد ۸، صفحه ۸۴. (صفحه ۴۲) همچنین رسول خدا دستور می‌دهند که با ازدواج کردن و تشکیل خانواده، گشایش روزی و توسعه زندگی خود را فراهم سازید.(۱) امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «دیدار و برخورد به نامحرم از کارهای شیطان است، هر کس نگاهش به نامحرم افتاد و تأثیر پذیرفت به سراغ همسرش برود».(۲) این نشان می‌دهد که مرد در مواقع تحریک باید همسری داشته باشد تا آرامش خاطر خود را حفظ کند. از این چند حدیث نتیجه می‌گیریم که آرامش خاطر و تلاش در اجتماع و ***** ۱- سفینة البحار، صفحه ۵۶۱. ۲- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۴۹۴. (صفحه ۴۳) اعتماد مردمی و گشایش روزی و فرزندان صالح از آثار دنیوی ازدواج است.

آثار اخروی ازدواج

علاوه بر آثار دنیوی ازدواج که فرزندان صالح شاخص‌ترین آنها است از نظر معنوی نیز این عمل خداپسندانه مورد توجه می‌باشد، ازدواج انسان را از گناهان بازداشته و عامل تقرّب در پیشگاه خداوند است این سنت نبوی پاداش عبادت را دو چندان نموده و خود نیز از بهترین طاعات الهی محسوب می‌گردد. رسول خدا می‌فرماید: هر کس دوست دارد عاقبت به خیر باشد و باایمان کامل و با دلی پاک از دنیا برود حتما باید متأهل باشد».(۱) همچنین می‌فرماید: «بیشترین افراد اهل آتش، مجردها هستند».(۲) ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴. ۲- روضة المتقین، جلد ۸، صفحه ۸۶. (صفحه ۴۴) همچنین می‌فرماید: «پاداش دو رکعت نمازی که شخص متأهل انجام‌می‌دهد، از هفتاد رکعت نماز شخص مجرّد بالاتر است».(۱) از این احادیث به دست می‌آید که ازدواج موجب مصونیت از ارتکاب به گناه و تحصیل رضا و قرب درگاه الهی است.

ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق

همسر موجودی است عاطفی که انسان تصمیم می‌گیرد یک عمر زندگی مشترک با وی را آغاز کند و اسرار بیرونی و درونی زندگی خویش را در اختیار او بگذارد و آن چنان روابط نزدیکی با وی پیدا کند که تشبیه آن در کسی متصوّر ***** ۱- جواهر الکلام، جلد ۲۹، صفحه ۱۲. (صفحه ۴۵) نیست و لذا در هنگام ازدواج باید متوسّل به خدا شده و از وی استمداد نمود و علاوه بر آن سزاوار است که از هیجان زدگی و ذوق زدگی و از هوی و هوس در انتخاب همسر کاملاً اجتناب نموده و با پدر و مادر و افراد دیندار در این زمینه مشورت کند و صفات همسر، به ویژه دیانت و فرهنگ و اخلاق او را در نظر بگیرد و آن‌گاه به این امر مقدّس اقدام نماید. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هرگاه کسی از شما قصد ازدواج کرد سزاوار است دو رکعت نماز بخواند و خدا را بخواهد که همسری عفیف و امین، با دیانت و متواضع و حافظ ناموس، نصیب وی کند». (۱) رسول خدا می‌فرمایند: «هر گاه خواستگاری به سراغ شما آمد که دارای «دیانت و اخلاق» نباشد، ***** ۱- جواهر الکلام، جلد ۲۱، صفحه ۳۹. (صفحه ۴۶) او را ردّ کنید والاّ فتنه و فساد روی زمین را فرا می‌گیرد».

ازدواج برپایه مادیات و شهوت

ازدواج براساس هوس، جاه‌طلبی، مال‌اندوزی و غیره معمولاً نتیجه‌اش ندامت و پشیمانی است زیرا این قبیل ازدواج‌ها بر مبنای غرض‌های غیرمنطقی و بدون ریشه صورت می‌گیرد و موقع برخورد با کوچک‌ترین مانعی از هم می‌پاشد. رسول خدا می‌فرمایند: «هنگامی که مردی با زنی به جهت ثروت و زیبایی‌اش ازدواج کند، ازآن بهره‌مند نمی‌شود اما اگر ازدواج بر

اساس دین و تقوا بوده باشد، خداوند مال و زیبایی نیز به وی عطا می‌فرماید زیرا در سایه دین و کمالات معنوی رضایت و خشنودی شوهرش را فراهم می‌سازد».(۱) ***** ۱- روضهٔ المتقین، جلد ۸، صفحه ۱۱۴. (صفحه ۴۷) و همچنین می‌فرماید: «کسی که با زنی به جهت مال و منالش ازدواج کند، خداوند او را به آن ثروت واگذار می‌کند و هر کس به جهت زیبایی زن با وی زناشویی کند، سرانجام پشیمان گردد اما اگر دیانت و تقوای کسی را در نظر بگیرد، خداوند همه این‌ها را به وی مرحمت می‌فرماید».(۱) از این احادیث نتیجه می‌گیریم که ازدواج بر پایه مادیات و شهوات، در صورتی که دیانت و تقوا و اخلاق اسلامی بر آنان حاکم نباشد، بدون تردید نتیجه‌اش ندامت و پشیمانی خواهد بود.

پیش از انتخاب همسر چه باید کرد؟

چون مسأله «ازدواج» یک موضوع حساس و سرنوشت‌ساز است و در زندگی ***** ۱- جواهر الکلام، جلد ۲۹، صفحه ۳۲. (صفحه ۴۸) هر کس جنبه بنیادی دارد لذا اشخاص اقدام کننده به این امر مقدّس، وظیفه دارند از پیشگاه خداوند استمداد جسته و با دعا و نیایش و توکل بر الطافت الهی در انتخاب همسر دقت کافی به خرج دهند. امیرمؤمنان علی صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «پیوسته انواع بلاها و مشکلات خویش را پیش از وقوعش از طریق دعا و نیایش پیشگیری نمائید و شکّی نیست که همسر نامطلوب از دردناک‌ترین مصیبت‌ها و بلاها به شمار می‌آید و بالعکس، همسر صالح و شایسته از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است و هیچ موهبتی از نعمت‌های دنیوی به پای آن نمی‌رسد».(۱) از حضرت امام صادق علیه‌السلام آمده است که: «هنگامی که اراده ازدواج نمودید، ***** ۱- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۲۷. (صفحه ۴۹) ابتدا دو رکعت نماز خوانده و سپس حمد و سپاس الهی بگویید و آن‌گاه دست به دعا برداشته و بخوانید: خدایا! من اراده ازدواج دارم، همسری را برایم روزی کن که از نظر عفّت عمومی خویشتن دار باشد و ناموس و مالم را حفظ کند، روزی او فراوان و برکتش عظیم باشد، ای خدا! از وی فرزندی پاکیزه برایم روزی فرما که در طول حیات و پس از مرگم جانشین صالحی برای من گردد».(۱)

هم‌کُفْو بودن در ازدواج

هم‌کفو بودن دو همسر، یعنی: تناسب، همتایی، هماهنگی، همشأنی، سنخیّت، کفائت و هم طرازی بین دختر و پسر و به اصطلاح با هم جور درآمدن زن و شوهر. ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۷۹. (صفحه ۵۰) ازدواج نوعی «ترکیب بین دو انسان و دو خانواده» است. زندگی مشترک یک پدیده مرکب است که اجزای اصلی و اساسی آن «زن و مرد» می‌باشد هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، همفکری، تناسب و سنخیّت روحی و اخلاقی و جسمی باشد این «ترکیب» استوارتر، مستحکم‌تر، پرثمرتر، شیرین‌تر، لذت‌بخش‌تر و جاودانه‌تر خواهدبود و هرچه این تناسب و هماهنگی کمتر باشد زندگی سست‌تر، تلخ‌تر، ناپایدارتر خواهد بود. دو انسانی که در کنار هم قرار می‌گیرند و می‌خواهند یک عمر با هم زندگی کنند و در همه امور شریک باشند و تصمیم‌های مشترک بگیرند و فرزندانی را به وجود آورند و تربیت کنند و به سعادت برسانند، حتما باید هماهنگ و هم سنخ و کفو هم باشند. متأسفانه در مسأله «انتخاب همسر» معمولاً به «خوب بودن عرفی» اکتفا (صفحه ۵۱) می‌شود و به «هم‌کفو بودن» دختر و پسر، توجه کمتری می‌کنند و حال آنکه محور معیارهای انتخاب همسر، همین «همتایی» است. توجه! همتایی و هماهنگی و تناسب صددرصد، امکان ندارد؛ زیرا هر «انسانی» دارای مغز، روح، اخلاق، تربیت، محیط و خانواده مخصوص به خود است و با دیگری فرق و فاصله دارد اما باید کوشش کرد هرچه قدر ممکن است

این فاصله کمتر باشد. همان‌طور که خداوند در قرآن مجید فرموده: «اِنَّ الْاِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعا: همانا انسان حریص و بی‌صبر خلق شده».(۱) ***** ۱– ۱۹ / معارج. (صفحه ۵۲) و از سویی اگر به انسان شرّ و زیانی رسد سخت بی‌قراری می‌کند کما اینکه خداوند فرمود: «اِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعا: (۱) از آنجائی که انسانهای معمولی مثل ما، نمی‌توانند همچون بزرگان دین و اولیای الهی در برابر سختی‌ها و ناملایمات تحمّل داشته باشند، از این رو عجولانه تصمیم گرفته و اقدام می‌کنند و در اطراف اهداف خودشان به درستی فکر نمی‌کنند و در نتیجه، ممکن است عواقب غیرقابل جبرانی اتفاق بیافتد و آنها را از هیّز زندگی ساقط سازد. ***** ۱– ۲۰ / معارج. (صفحه ۵۳) در مورد خانواده نیز این قاعده، صادق است و این‌طور نیست که همه بتوانند در مقابل ناملایمات زندگی دوام بیاورند و اگر آمار طلاق را در سال‌های اخیر مطالعه کنیم این گفتار تصدیق خواهد شد. برای همین منظور به داستانی در رابطه با حضرت نوح استناد کنیم. در روایت آمده است که حضرت نوح علیه‌السلام مستجاب الدعوه بوده است یعنی خداوند متعال هر دعایی را که حضرت نوح می‌کرد فورا اجابت می‌نمود، او همسری بدخلق و بدزبان داشت و با زخم زبان‌هایی که می‌زد، دائم آن حضرت را ناراحت می‌کرد. اصحاب و هواداران آن حضرت به او گفتند: «یا نوح تو که مستجاب الدعوه هستی چرا همسرت را نفرین نمی‌کنی تا خداوند او را نابود ساخته تا از دست او آسوده‌خاطر باشی؟» حضرت در پاسخ فرمود: «اگر من مستجاب الدعوه شدم به خاطر صبری است که در بدی‌های همسرم داشتم». با نقل این داستان کاملاً مشخص می‌شود سختی‌های زندگی، که برخی واقعا (صفحه ۵۴) کمرشکن و غیرقابل تحمل است مثل همین داستان، ایمان راسخ می‌خواهد تا انسان بتواند باگذشت فراوان در حقیقت با ایثار زندگی کفه ترازو را متعادل سازد. و مراد از مطرح کردن این مسائل پیشگیری از این حوادث می‌باشد پس باید قبل از ازدواج به موارد زیر دقت شود تا اینکه دست بسته، تسلیم نامرادی‌های زندگی نشویم.

ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی

ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی

از جمله عوامل، هم‌کفو بودن، چه از لحاظ شرعی و چه از لحاظ اخلاقی، عُرفی و منطقی عبارتند از:

۱ همتایی در ایمان

ایمان یکی از ارکان مهم قوام و دوام زندگی محسوب می‌شود و با وجود ایمان واقعی، بسیاری از مشکلات از میان می‌رود، چراکه مؤمن باور دارد با (صفحه ۵۵) صبر، پیش خداوند مأجور بوده و این ایثار و گذشت بی‌پاداش نخواهد ماند. اینجا است که باید تا می‌توانیم اعتقاداتمان را نزدیک ساخته و با تقرب آن درک بیشتر نسبت به همدیگر ایجاد خواهد شد. فرض کنیم دو زوج به خاطر مشکلات اقتصادی با هم اختلاف داشته باشند، زن به خاطر چشم و هم‌چشمی، از شوهرش بیش از توان مالی او درخواستی را داشته باشد و او را در فشار قرار دهد و از او بخواهد به هر نحو ممکن خواسته او را اجابت کند و شوهر با منطق به او یادآوری کند و بگوید: «اگر من خواسته تو را برآورده کنم لازمه‌اش تجاوز به حقوق دیگران و غصب مال دیگری است و سرانجام این کار دخول در آتش جهنم خواهد بود، با این منطق اگر زن معتقد به خدا و روز جزا باشد، نصیحت دلسوزانه شوهر در او تأثیر گذاشته و او نفس سرکش را در جای خود خواهد نشاند. (صفحه ۵۶) پس با یکی شدن اعتقاد، این مشکل برطرف شد اما اگر خدای ناکرده این اعتقاد در همسر نبود یکی از دو کار، باید صورت بگیرد، یا باید دعوا به راه افتد

و با مرافعه، زنـدگی را تلخ نمود و این اختلاف ممکن است سـرانجام به طلاق منجر شود و یا این که به خواسـته همسـر تسـلیم شود و معلوم است عاقبت این اطاعت او را به دزدی و غصب مال دیگری و نهایتا، به ظلم خواهـد کشانـد که نتیجه این کار در دنیا زنـدان و حبس و آبروریزی و در صورتی که توبه نکرده باشـد در آخرت، عذاب الهی است. از این سـخن، نتیجه می گیرم که تفاهم اعتقادی زوجین و ایمان آنها، نقش ارزنده‌ای در رفع موانع و مشکلات زندگی زناشویی ایفا می کند.

۲ همتایی در سن

اصولاً ـ هرچه سن به هم نزدیک‌تر باشـد تفاهم بیشتر خواهـد بود به طور مثال (صـفحه ۵۷) دو بچه هنگـامی که بازی می کنند هرچه سن آنها به هم نزدیک‌تر باشـد از بازی بیشتر لـذت می‌برنـد و در صورتی که این بچه نتوانـد با هم سنّ خود بازی کند در طول زمان از بازی کردن خسـته شـده و با بهانه‌های مختلف اسـباب ناراحتی اطرافیان را فراهم می کند. و این چنین است در سـایر موارد مثـل دوست هم سن، از آنجـایی که عواطف و سـلیقه‌ها و درک انسانها متفاوت است در صورتی که تفاوت سـنی زیـاد باشـد این اختلاف سـلیقه‌هـا بیشتر نمود خواهـد کرد و احتمـال مصـالحه کمتر خواهـد بود از این رو در صورت مراعات نکردن این قاعـده تفاهم و همگونی شدن نیز مشـکل خواهد بود ولو اینکه ممکن است در چند مورد محدود، این تفاهم خیلی بیشتر بوده باشـد. علاوه بر اینکه تفاوت سـنی در زندگی زوجین، در صورتی که ازدواج (صـفحه ۵۸) تحمیلی باشد تأثیر دارد در نگـاه عرف و جـامعه نیز تأثیر داشـته و آنها را به طور غیرمسـتقیم در دخالت دادن به امور خانواده‌ها وادار می‌سازد. تناسـب سنی که مورد قبول تمام روان‌شـناسان و عرف می‌باشـد و عقل نیز به آن مهر تأییـد زده و همچنین با مقایسه سن تکلیف شـدن دختر در اسـلام که نه سالگی است و پسـر که پانزده سالگی است «۶ سال» می‌باشد یعنی از آنجایی که دختر شـش سال زودتر بالغ می‌شود بهتر است پسـر چندسالی از دختر بزرگ‌تر باشد. البته اختلاف سن مرد با زن یکی از شرایط ایجاد ازدواج مطلوب است نه همه آن. لـذا در مواردی ممکن است باشـد که سن زن و مرد هنگام ازدواج یکسان و یا زن از مرد بزرگ‌تر بود و این طبق توافق زن و مرد صورت گرفته و مشـکلی نیز به همراه نداشـته باشـد. طبعـا رعایت دیگر شـرایط و محاسن ازدواج (صـفحه ۵۹) مطلوب می‌تواند این نقص را بپوشاند.

۳ همتایی در دانش

یکی دیگر از ویژگی‌هـایی که در بهـتر شـدن زنـدگی مشترک مؤثر است همتـایی در دانش است به این معنی که در انتخـاب همسـر آینـده دانش و علم او را نیز لحاظ کنیم و اینجا دو سؤال پیش می‌آید: ۱ نقش سواد و دانش در سـرنوشت انسان چقدر است؟ ۲ آیـا بهـتر است همسـری که انتخـاب می‌کنیم بـا سواد باشـد یـا فرق نمی‌کنـد؟ مردم عوام، بی‌سوادی را ماننـد کوری می‌پندارنـد یعنی همان‌گونه که انسانهای کور از دیـدن یک سلسـله واقعیات خارجی محرومانـد اشـخاص بی‌سواد نیز از درک بعضـی از واقعیـات عاجزنـد یعنی اگرچه دوست دارنـد آن واقعیات را درک کننـد اما چون درک آن به علم و دانش بسـتگی دارد لذا محروم‌اند و برای (صـفحه ۶۰) اینکه بتواننـد درک کننـد بایـد باسواد شـده و از طریق علم آن واقعیات را لمس کنند. قرآن کریم نیز بـا این اسـتناد که خود مردم نیز بین عالم و جاهل فرق می‌گذارنـد می‌فرمایـد: «...٠هَلْ یَسْتَوِی الَّذینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ: ... یعنی آیا آنهایی که می‌دانند با آنهایی که نمی‌دانند یکسان هستند تنها خردمندان متـذکر می‌شونـد و همچنین پر واضـح است که فرق علم بـا جهـل، مثـل فرق نور بـا ظلمت و تاریکی است».(۱) خداوند متعال

می‌فرمایند: «... قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصیرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِی الظُّلُماتُ وَ النُّورُ: ... ای ***** ۱- ۹ / زمر. (صفحه ۶۱) پیامبر به مردم بگو آیا کور و نابینا، با بینا یکی است و آیا تاریکی‌ها با نور یکی است».(۱) همانطور که مشاهده می‌شود قرآن مجید مثل علم و جهل را، مثل نور و ظلمت می‌داند و پند و درک را در سایه علم می‌داند. البته مراد از علم آن علومی است که در راه تکامل و رشد انسانی به کار گرفته شده باشد، مثل علم اتم‌شناسی که در نیروگاه برق مورد استفاده قرار گرفته که در راستای سعادت بشر می‌باشد اما همین علم در صورتی که جهت ساخته شدن بمب اتمی به کار گرفته شود از بدترین علوم خواهد بود و همچنین است سایر علوم. ***** ۱- ۱۶ / رعد. (صفحه ۶۲) ما از دو راه می‌توانیم به چیزهایی که نمی‌دانیم آگاهی پیدا کنیم: اول اینکه: آنچه که در محیط خارج وجود دارد ببینیم و اسم آنها و رابطه ما بین آنها را پرسیده و به خاطر بسپاریم و این علمی است که به مرور زمان بشر از اطرافیان خود آموخته است. نحوه خوردن خوابیدن، پوشیدن، راه رفتن و صدها کار دیگر را می‌توان از این قبیل علوم دانست. دوم اینکه: انسان علاوه بر علم به ضروریات، علاقه‌مند دانستن و فهمیدن چیزهایی می‌باشد که در قبل از او بوده و یا نخواهد بداند ماورای این جهان چه خبر است. دانستن این قبیل موضوعات احتیاج به داشتن سواد است. چرا که بدون سواد امکان فهمیدن مسائل گذشته وجود ندارد و در مورد ماورای ماده، نیز نیاز به سواد داریم و هر چه سواد و دانش بیشتر باشد بیشتر می‌توان مجهولات را درک کرد و بر آنها فائق شد. (صفحه ۶۳) از جمله موضوعات نیازمند به سواد و دانش زندگی است و معلوم است که همه چیز را نمی‌شود به تجربه واگذار نمود یعنی نمی‌شود گفت: «حالا این کار را هم انجام دهیم اگر نتیجه مطلوبی داد چه بهتر و اگر نه، دیگر آن را انجام نمی‌دهیم» چون تجربه کردن چیزی، شاید سال‌ها وقت ببرد و چه بسا هیچ وقت نتوان از تلخی حتی یک تجربه بیرون آمد. اینجاست که باید از تجارب و اندوخته‌های دیگران استفاده نمود و آن هم تنها، کافی نمی‌باشد. پس ما می‌توانیم به وسیله دانش و با مطالعه در اطراف انواع زندگی و حالات اشخاص، زندگی خوب را انتخاب کنیم و با اجرای آن سرنوشت خود را رقم بزنیم. همانطور که قبلاً گفته شده یکی از اهداف ازدواج، تداوم نسل می‌باشد و خوبی یا بدی نسل آینده به طور مستقیم به خوبی و بدی نسل حاضر، بستگی (صفحه ۶۴) دارد و در صورتی که نسل حاضر با بینش و توان علمی مناسب به تربیت فرزندان خود بپردازد، فرزندانی پربار و دارای فرهنگ غنی تحویل جامعه خواهد داد و راه تعقّل و تفکّر انسان را برای دستیابی به زندگی بهتر و جامعه متعالی باز نموده و در نتیجه انسانها یکی پس از دیگری بهتر خواهند شد. با این بیان نتیجه می‌گیرم که سواد و دانش همسر آینده زن یا مرد در باروری خوب فرزندان، تأثیر مثبت دارد به همین جهت بهتر است که در انتخاب همسر، میزان سواد او را نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم لحاظ نمود و این ویژگی در زن و مرد، هرچه بیشتر باشد نتیجه بهتری خواهد بخشید. اما ممکن است کسانی بگویند: «مرد اگر باسواد باشد بهتر است اما زن اگر بی‌سواد باشد اطاعتش از شوهر بیشتر خواهد بود». در پاسخ به این‌گونه افکار، ابتدا چند روایت را در مورد دانش بررسی (صفحه ۶۵) می‌کنیم. اول: روایتی است که از پیامبر اکرم نقل شده که فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَریضَةٌ لِکُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ: یعنی فراگیری دانش برای هر زن و مرد مسلمانی واجب است».(۱) دوم، روایتی است که از حضرت محمّد صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «اَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَیْرِ کُلِّهُ وَ الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ کُلِّه: دانش رأس تمام کارهای خیر است و نادانی رأس تمام بدی‌ها است».(۲) سوم: روایتی از مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام که فرمود: «لا تَری الْجاهِلَ اِلاّ مُفْرِطا اَوْ مُفَرِّطا: جاهل و نادان را در کارها نمی‌بینی یا ***** ۱- بحارالانوار، جلد ۱، صفحه ۱۷۷. ۲- الحیوه، جلد ۱، صفحه ۵۲. (صفحه ۶۶) افراط کارند یا تفریط کار». حال اگر غرض ما از زندگی فریفتن مردم باشد پر واضح است که بی‌سوادی اشخاص در رسیدن به اهداف پلید، آنها را یاری خواهد کرد. چون مردم نادان زود فریب خورده و زود منحرف می‌شوند. اما اگر هدف، زندگی خوب و همراه با آسایش و تفاهم باشد باید

همسری باسواد و با دانشی را انتخاب کرد زیرا که کسب دانش وظیفه هر مسلمان اعم از زن و مرد است و تمام خیر و برکت و سعادت، دانش است و برعکس تمام شر و بدی از جهل سرچشمه می گیرد پس این طرز فکر که همسر بی‌سواد بهتر است باطل و مردود است.

۴ همتایی فکری و فرهنگی

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترك نقش (صفحه ۶۷) اساسی دارد، برای ایجاد یک زندگی پویا و پربار باید معماران این کانون بتوانند یکدیگر را درك نموده و مکنونات و محتویات درونی خود را به هم تفهیم کنند و در بسیاری از مسائل، تصمیم مشترك و یکسان گرفته و بر مبنای آن عمل کنند و در نشیب و فرازهای زندگی یاور هم باشند و فرزندانشان را بر اساس یک طرح هماهنگ تربیت کنند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «اَلْعارِفَةُ لا تُوضَعُ اِلاّ عِنْدَ الْعارِفِ: زن عارفه (فهمیده فرزانه) باید در کنار مرد عارف (فهمیده اهل معرفت) قرار گیرد نه غیر آن.

۵ همتایی اخلاقی

هماهنگی و تناسب اخلاقی، از مهم‌ترین موارد کفائت و همتایی بین زن و شوهر است. (صفحه ۶۸) با توجه به این نمونه که: «زید بن حارثه» پسر خوانده رسول اکرم صلی الله علیه و آله با «زینب» دختر عمّه پیامبر ازدواج کرد. این زن و شوهر از نظر «تدیّن و ایمان» در مقام بالایی قرار داشتند؛ اما از جهت «اخلاقی» با هم تفاهم نداشتند و اختلاف و نزاع شدیدی بر زندگی آنها حاکم بود. رسول خدا بارها آنها را نصیحت و سفارش به تفاهم و سازش نمود. امّا این «زوج جوان» توان تحمّل یکدیگر را نداشتند. سرانجام خداوند وساطت فرمود و آنان را به وسیله طلاق از هم جدا کرد! در اینکه هر دوی این زن و شوهر، انسانهای شایسته‌ای بودند، تردیدی نیست، در شایستگی «زید» همین بس که رسول اکرم او را به عنوان فرزند خود برگزیده بودند و گاهی او را با لفظ «زید الحبیب» صدا می‌زدند و در شایستگی «زینب» نیز همین بس که خود خداوند عقد او را برای پیامبر (صفحه ۶۹) خواند و او را به همسری پیامبرش درآورد. گوشه‌ای از این داستان در قرآن چنین آمده است: «وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِ أَمْسِكْ عَلَیْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفی فی نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدیهِ وَ تَخْشَی النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشاهُ فَلَمَّا قَضی زَیْدٌ مِنْها وَطَراً زَوَّجْناکَها لِکَیْ لا یَکُونَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ حَرَجٌ فی أَزْواجِ أَدْعِیائِهِمْ إِذا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَراً وَ کانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً: به خاطر بیاور زمانی را که به کسی که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی می گفتی همسرت را نگاه‌دار و از خدا بپرهیز (و پیوسته این امر را تکرار می‌نمودی) و تو در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی، هنگامی که زید از همسرش جدا شد ما او را به همسری تو در آوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران (صفحه ۷۰) پسر خوانده‌های آنها هنگامی که از آنان طلاق گیرند نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است».(۱) نتیجه می گیریم که تنها «متدین بودن زن و شوهر» برای ایجاد یک زندگی موفق و در تمام موارد، کفایت نمی کند بلکه بررسی جنبه‌های دیگر نیز لازم‌است.

۶ همتایی جسمی و جنسی

«توازن و تناسب جسمی و جنسی» در زندگی همسران، نقش بسیار مهمی دارد. مسائل جنسی، یکی از ارکان اصلی و بنیادین

«زندگی زناشویی» است. «اشباع و ارضاء و رضایت جنسی» زن و شوهر از هم، تأثیر عمیقی در موفقیت زندگی دارد. اگر یکدیگر را از این جهت اشباع و راضی کنند، سپاسگزار ***** ۱- ۳۷ / احزاب. (صفحه ۷۱) هم خواهند بود و با «دلگرمی» به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل خواهند کرد و مشکلات زندگی را تحمل خواهند کرد، اما اگر در این مورد ناراضی باشند، از هم متنفّر می‌شوند و از انجام مسئولیت‌های زندگی «دلسرد» می گردند. این نکته بزرگی است که متأسفانه در بسیاری از موارد، آن را کوچک می‌شمارند یا نادیده می گیرند و یا با «خجالت» و «رودربایستی» از آن می گذرند و بعد، ضربه‌های سهمگینش را می‌خورند. اگر یکی از دو همسر، از نظر جسمی و جنسی، قوی و «گرم مزاج» و دیگری ضعیف و «سرد مزاج» باشد در بسیاری از امور زندگی‌شان خلل وارد می‌شود و احتمال فساد و انحراف، بسیار قوی است و این عدم تناسب و توازن به اعصاب و روان آنان نیز لطمه می‌زند. اگر مردان یا زنان همسرداری را می‌بینیم که مرتکب فساد جنسی و رابطه (صفحه ۷۲) نامشروع با بیگانه شده‌اند، قضیه را ریشه‌یابی کنیم درمی‌یابیم که ریشه بسیاری از این موارد (نه همه آنها) در «نارضایتی و عدم اشباع جنسی توسط همسر» می‌باشد. با توجه به نمونه که در قرآن بیان شده: «فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَ أَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَ آتَتْ كُلَّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّيناً وَ قالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَ قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ حاشَ لِلَّهِ ما هذا بَشَراً إِنْ هذا إِلاَّ مَلَكٌ كَريمٌ: هنگامی که (همسر عزیز) از فکر آنها با خبر شد به سراغ آنها فرستاد (و از آنها دعوت کرد) و برای آنها پشتی‌های گران قیمتی فراهم ساخت و به دست هر کدام چاقویی (برای بریدن میوه) داد و در این موقع (به یوسف) گفت وارد مجلس آنان شو، هنگامی که چشمشان به او افتاد در تعجب فرو رفتند و (بی‌اختیار) دست‌های خود را بریدند (صفحه ۷۳) و گفتند منزه است خدا این بشر نیست، این یک فرشته بزرگوار است». «قالَتْ فَذلِكُنَّ الَّذی لُمْتُنَّنی فیهِ وَ لَقَدْ راوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ ما آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَ لَيَكُوناً مِنَ الصَّاغِرينَ: (همسر عزیز) گفت: این همان کسی است که به‌خاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید (آری) من او را به خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد و اگر آنچه را دستور می‌دهم انجام ندهد به زندان خواهد افتاد و مسلما خوار و ذلیل خواهد شد».(۱) همسر عزیز گویا می‌خواست به آنها بگوید شما که با یک بار مشاهده یوسف، این چنین عقل و هوش خود را از دست دادید و بی خبر دست‌ها را بریدید و محو جمال او شدید و به ثنا خوانیش پرداختید، چگونه مرا ملامت می کنید که ***** ۱- ۳۱ و ۳۲ / یوسف. (صفحه ۷۴) صبح و شام با او می‌نشینم و برمی‌خیزم؟ یکی از علت‌های عمده انحراف «زلیخا» و تمایل او به حضرت یوسف «ناتوانی جنسی» شوهرش بود! به هر حال، در «انتخاب همسر» حتما باید توجه داشت که دختر و پسر از نظر جسمی و جنسی «کفو» باشند، یکی از آنان قوی البنیه و آتشین مزاج و نیرومند نباشد و دیگری ضعیف الجثه و سرد مزاج. بلکه با هم «سنخیّت جسمی و جنسی» داشته باشند تا بتوانند یکدیگر را اشباع و راضی کنند. و همچنین، بر همسران لازم است دراین امور، معلومات ضروری داشته باشند و از افراد آگاه به این مسائل کسب معلومات کنند. و اگر با مشکلی مواجه شدند، با آنان مشورت کنند. (صفحه ۷۵) با توجه اینکه: یکی از علت‌های «ناتوانی‌های جنسی» بیماری‌های عصبی و روانی می‌باشد که در هر ناتوانی جنسی و ناتوانی در اشباع همسر باید درصدد درمان آن بیماری برآمد و با روان پزشک و روان شناس ماهر در میان گذاشت.

۷ هم‌تایی سیاسی

تناسب سیاسی یعنی اینکه معتقدین و طرفداران یک نظام با افراد و خانواده‌های موافق آن نظام چنانچه ازدواج نمایند بهتر است.

۸ هم‌تایی روحی و روانی

یکی از موارد شرط همتایی «هماهنگی روحی و روانی» است و یا به عبارت دقیق‌تر «همگونی شخصیتی» از نظر علمی و روانشناسی شخصیّت، طبقه بندی‌های متعددی نسبت به شخصیت افراد صورت گرفته که یکی از معروف‌ترین آنها، تقسیم‌بندی «درون گرا» و «برون گرا» است و چون «درون (صفحه ۷۶) گرایی» و «برون گرایی» یک امر نسبی است و در حقیقت یک طیفی است که می‌توان از شماره ۱ (درون گرای محض) تا ۱۰۰ (برون گرای محض) شماره‌بندی کرد و از طرف دیگر مطابق معیارهای ارزشی اسلام، برون گرایی صِرف (از خود بیخود شدن) یا درون گرایی صرف (رهبانیت و گوشه گیری) نامطلوب است پس باید گفته شود: برای زندگی مطلوب اسلامی، نمی‌توان گفت افراد درون‌گرا با تیپ خود و بالعکس برون‌گرا با هم گروه خود ازدواج کنند بلکه باید «تعادل» ایجاد شود. لکن درعین حال برای جلوگیری از درگیری‌ها و عدم تفاهم باید فاصله زیادی نباشد یعنی مثلاً تا بیش از ۲۰ یا ۳۰ شماره فاصله نباشد

۹ هم‌تایی در زیبایی

توجه به توازن و تناسب میان دو همسر در «زیبایی صورت و اندام و قیافه (صفحه ۷۷) ظاهری» نیز لازم است. اگر یکی از آن دو «زیبا و خوش اندام و خوش تیپ» باشد و دیگری زشت صورت و بد اندام، احتمال به وجود آمدن ناراحتی و مشکل برای هر دو و عقده‌های روانی و انحراف و بی‌عفّتی و حسرت و ... برای فرد زیبا وجود دارد. دو انسان که می‌خواهند به عنوان همسر و یاور هم باشند لازم است یکدیگر را از هر جهت دوست داشته باشند و از اندام و چهره و شکل ظاهری هم خوششان بیاید. «زیبایی» یک معیار و اندازه معین و قانون استاندارد ندارد که بشود افراد را با آن سنجید بلکه تا حدودی به سلیقه افراد بستگی دارد حتی ممکن است فردی در نظر کسی زیبا باشد و درنظر دیگری زشت. پس صفت زیبایی یک خصوصیت نسبی است و لازم نیست در حد عالی باشد بلکه مهم آن است که دو همسر، یکدیگر را از نظر قیافه ظاهری و اندام بپسندند و از هم خوششان بیاید و دلخواه هم باشند. (صفحه ۷۸) زیبایی همسر در حفظ و تقویت عفت و ایمان همسرش تأثیر دارد. اگر همسر، از زیبایی همسرش راضی باشد، چشم و فکر و عملش، متوجّه دیگران نخواهد شد. اما باید به این مسأله توجه داشت که «زیبایی» باید در کنار دیگر صفات و معیارها، مورد توجه و بررسی قرار گیرد نه به طور مستقل، یعنی زیبایی بدون تدیّن و عفت و اخلاق و ... نه تنها امتیازی محسوس نمی‌شود بلکه آفتی است خطرناک! اگر کسی دین، اخلاق، عفت، عقل، شرافت خانوادگی ... داشته باشد آنگاه «زیبایی» برایش «کمال و ارزش و امتیاز» محسوب می‌شود وگرنه «بلایی» است رسواگر. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَءَةً ... لِجَمالِها، رَأی فیها ما یَکْرَهُ: کسی که صرفا برای زیبایی زن و همچنین مردی با او ازدواج کند، در او امور ناخوشایند خواهد دید». (صفحه ۷۹) کسی که ایمان و تدین و عفت و ارزش‌های اصیل و حقیقی را زیربنای زندگی قرار داد و زیبایی را به عنوان یک امتیاز تکمیلی در کنار آنها به حساب آورد، گذشت زمان نمی‌تواند آن زندگی را فرسوده کند زیرا: «إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا: خداوند، محبّت مؤمنان نیکوکار را در قلب‌های دیگران قرار می‌دهد».(۱) خدای مهربان، به پاداش تدین همسران با ایمان، چنان محبت و اشتیاق شدیدی در قلب‌های پاک آنان قرار می‌دهد که هیچ عاملی، حتّی سپری شدن دوران جوانی و شادابی، نمی‌تواند آن را سرد کرده و از بین ببرد.

۱۰ هم‌تایی خانوادگی

ازدواج با یک فرد، مساوی است با پیوند با یک خانواده و فامیل و نسل. از این‌رو ***** ۱- ۹۶ / مریم. (صفحه ۸۰) خانواده دختر و پسر باید با هم «سنخیّت و تناسب» داشته باشند سنخیت و تناسب دینی، اجتماعی، اخلاقی و غیره در مسأله «انتخاب همسر» معقول نیست که انسان بگوید: «من می‌خواهم با خود این فرد ازدواج کنم و کاری به خانواده و خویشان ندارم» زیرا: ۱ این فرد جزیی از همان خانواده و فامیل و شاخه‌ای از همان درخت است و این شاخه، از ریشه‌های همان درخت، تغذیه کرده است، مسلم است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی، جسمی آن خانواده از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات به این فرد منتقل شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند: «تَزَوَّجُوا فِی الْحِجْرِ الصّالِحِ، فَاِنَّ الْعِرْقَ دَسّاسٌ: در دامن و خانواده (صفحه ۸۱) شایسته، ازدواج کنید، زیرا عِرقْ (نطفه و ژن‌ها) تأثیر می گذارد».(۱) «اُنْظُرْ فی اَیِّ شَیْءٍ تَضَعُ وَلَدَکَ، فَاِنَّ الْعِرْقَ دَسّاسٌ: نیک بنگر که فرزندت را در کجا قرار دهی زیرا عِرْق و خصوصیات ارثی، به صورت پنهانی و بدون اختیار منتقل می‌شود و تأثیر می‌گذارد».(۲) ۲ اگر فرد با آنان کاری نداشته باشد، آنان با او کار دارند. هرگز نمی‌توان همسر را از آنان و آنان را از همسر جدا کرد. ۳ بدنامی یا خوشنامی آنان، تا آخر عمر همراه انسان است و در ***** ۱- کتاب مکارم الاخلاق. ۲- کتاب مکارم الاخلاق. (صفحه ۸۲) زندگی تأثیر می گذارد و تحمّل بدنامی، برای آنان بسیار مشکل خواهد بود. ۴ صفات و خصوصیات، در فرزندان آینده، تأثیر دارد. پیامبر اکرم در این باره می‌فرمایند: «تَخَیَّرُوا لِنُطَفِکُمْ، فَاِنَّ الْاَبْناءَ تَشْبَهُ الْاَخْوالَ: بنگرید چه کسی را به همسری بر می گزینید، زیرا فرزندان، شبیه و مانند دایی‌هایشان می‌شوند».(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «اِیّاکُمْ وَ خَضْراءَ الدِّمَنِ ...: بپرهیزید از سبزه زاری که بر فراز مزبله و منجلابی روییده باشد.(زن زیبایی که در خانواده پلیدی رشد کرده باشد)» (۲). ***** ۱- جواهر، جلد ۲۹، صفحه ۳۷. (صفحه ۸۳) اما سؤالی که پیش می‌آید این است که از خانواده‌های بد، گاهی فرزندان شایسته و خوب بیرون می‌آیند و از خانواده‌های شریف و پاک، فرزندانی ناشایسته و پلید؟ اوّلاً: بله، درست است اما این موضوع گاهی اتفاق می‌افتد و استثناء همیشه بوده و هست، گاهی در منجلاب، گلی می‌روید و در گلستان، خاری. نمی‌شود بر مبنای استثناها، قانون کلّی بنا نهاد. ثانیا: همین استثناها نیز با اصل خودشان ریشه مشترک دارند و بدون تردید آثاری از آن ریشه مشترک، در وجودشان هست که ممکن است در مواقع و ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۹. (صفحه ۸۴) حالات عادی ظاهر نشود اما در تلاطم‌ها و حالات غیرعادی ظاهر می‌شود. ثالثا: اگر بر کسی یقین شد که این «فرع» غیر از آن «اصل» است و همچنین بتواند این «فرع» را از آن «اصل» جدا کند و نگذارد خانواده‌اش در زندگی آینده دختر و پسر نقش داشته باشند و دخالت کنند و آنگاه می‌تواند با او ازدواج کند، اما این کار، کار هر کس نیست. «اَلْخَبِیثاتُ لِلْخَبِیثینَ وَ الْخَبِیثُونَ لِلْخَبِیثاتِ وَ الطَّیِّباتُ لِلطَّیِّبینَ وَ الطَّیِّبُونَ لِلطَّیِّباتِ ...: زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند و مردان ناپاک نیز تعلّق به زنان ناپاک دارند و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک هستند ...».(۱) ***** ۱- ۲۶ / نور. (صفحه ۸۵) اَلخَبیثاتُ: زنان پلید و ناپاک خَبیث: پلید و ناپاک، منظور ناپاکی و پلیدی در قلمرو اندیشه، عقیده، گفتار خَبیثینَ: مردان پلید و ناپاک خَبیثُونَ: مردان ناپاک طَیِّب: پاک و پاکیزه، منظور، پاکی در رفتار و گفتار یا پاکی معنوی و اخلاقی است طَیِّباتُ: زنان پاک و پاکیزه طَیِّبینَ: مردان پاک و پاکیزه طَیِّبُونَ: مردان پاک و پاکیزه فلسفه و هدف ازدواج رسیدن به آرامش است و عشق و آرامش و الفت و مصاحبت جز با رعایت همتایی و کفویت در انتخاب همسر به دست نمی‌آید. یکی دیگر از شرایط ازدواج «هم‌شأن بودن» پسر و دختر است و مراد از هم (صفحه ۸۶) شأن بودن برابری از نظر مقام و ثروت و شؤون مادی نیست بلکه منظور از آن چنانچه در روایات آمده این است که پسر و دختر، مسلمان و پاکدامن باشند و نیز شوهر بتواند مخارج زندگی را تأمین کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مرد باایمان، هم شأن زن باایمان است». امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «مقصود از «کفو» آن است که مرد

پاکدامن باشد و نیز بتواند مخارج زندگی را تأمین کند».(۱) و همچنین در شرایط همسری و هم‌شأنی می‌فرمایند: ***** ۱- وسائل‌الشیعه، جلد۱۴، صفحه۵۲. (صفحه ۸۷) «همسر همشأن، کسی است که در اثر ایمان با حیا باشد و بتواند زندگی‌اش را بچرخاند».(۱) حضرت رسول فرمود: «دختر به کفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه خود زنی را انتخاب کنید که شایسته آن باشد که فرزند از او به هم رسانید».(۲) حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «آمیزش کنید با آنها که می‌شناسید و احتیاط کنید از کسانی که نمی‌شناسید».(۳) ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۵۳. ۲- بحارالانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۱. ۳- کلمات قصار. (صفحه ۸۸) چه دختر و چه پسر برای تشکیل زندگی مشترک و یکی شدن برای رسیدن به آرامش و حفظ نوع بشر و تربیت انسانهای برتر از خود، باید در انتخاب همسر دقت کنند، دین‌داری، خوش‌خلقی، پاکدامنی، عفت، برخورداری از ادب از مهم‌ترین معیارهای انتخاب است. رعایت کفویّت را هم در ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خدیجه و هم در ازدواج آسمانی حضرت زهرا علیهاالسلام با حضرت علی علیه‌السلام مشاهده می‌کنیم. و در حدیث است که «اگر علی نبود در عالم کفوی برای زهرا نبود».(۱) بنابراین در بحث انتخاب همسر باید همتایی، شباهت در امور دینی و اخلاقی ***** ۱- فضائل الخمسه، جلد ۲، صفحه ۱۴۹. (صفحه ۸۹) و خانوادگی در نظر گرفته شود. همچنین در مباحث فقها آمده است که کفو بودن شوهر به اسلام او است و شخصیت‌های اجتماعی در کفو بودن دخالتی ندارد.(۱)

اوصاف شایسته در انتخاب همسر

«وَ بَشِّرِ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ كُلَّما رُزِقُوا مِنْها مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقاً قالُوا هـذَا الَّذی رُزِقْنا مِنْ قَبْلُ وَ أُتُوا بِهِ مُتَشابِهاً وَ لَهُمْ فیها أَزْواجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فیها خالِدُونَ: به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح دارند بشارت ده که بهشت‌هایی برای آنهاست که نهرها از زیر درختان آن در جریانند، هر زمان که میوه‌ای ازآن به آنها داده می‌شود می‌گویند ***** ۱- آیت اللّه صانعی. (صفحه ۹۰) این همان است که قبلاً به ما روزی شده بود و برای آنها همسرانی پاک و پاکیزه است و همیشه در آن بهشت خواهند بود».(۱) اَزْواجٌ: جمع زوج است که در مورد زن و مرد، هر دو، بکار می‌رود. مُطَهَّرَةٌ: پاک و پاکیزه فیها: فی: در، ها: آن، او: منظور بهشت است. در این آیه همسران پاک و پاکیزه جزو نعمتهای بهشتی بیان شده‌اند که پاک از همه آلودگی‌ها که در این جهان ممکن است داشته باشند پاک از نظر روح و قلب و پاک از نظر جسم و تن. ***** ۱- ۲۵ / بقره. (صفحه ۹۱) جالب اینکه تنها وصفی که برای همسران بهشتی در این آیه بیان شده وصف «مطهره» (پاک و پاکیزه) است و این اشاره‌ای است به اینکه: اولین و مهم‌ترین شرط همسر، پاک و پاکیزگی است و غیر از آن همه تحت‌الشعاع آن قرار دارد. حدیث معروفی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده نیز این حقیقت را نشان می‌دهد. «از گیاهان سرسبزی که بر سر مزبله‌ها می‌روید بپرهیزید! عرض کردند: ای پیامبر! منظور شما از این گیاهان چیست؟ فرمود: زنی که از نظر ظاهری بسیار زیبا است اما در خانواده ناصالح و آلوده‌ای پرورش یافته».(۱) «عَسی رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ یُبْدِلَهُ أَزْواجاً خَیْراً مِنْكُنَّ مُسْلِماتٍ مُؤْمِناتٍ قانِتاتٍ ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۱۹. (صفحه ۹۲) تائِباتٍ عابِداتٍ سائِحاتٍ ثَیِّباتٍ وَ أَبْكاراً: امید است اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، روزه‌دار، زنانی غیر باکره و باکره.(۱) عَسی: امیدواری طَلَّقَكُنَّ: طلاق دهد یُبْدِلُ: تبدیل می‌کند، جایگزین سازد خَیْرا: بهتر مُسْلِماتٍ: زنان مسلمان، همسران حقگرا تائِباتٍ: زنان توبه کار مُؤْمِناتٍ: زنان با ایمان عابِداتٍ: زنان شایسته کردار قانِتاتٍ: زنان فرمانبردار سائِحاتٍ: زنان رهرو، روزه دار ثَیِّباتٍ: زنان غیر باکره، بیوه اَبْكارا: زنان

باکره، دوشیزه ***** ۱- ۵ / تحریم. (صفحه ۹۳) آنچه در مورد این آیات در کتاب تفسیر آمده به شرح زیر است: پیامبر صلی الله علیه و آله گاه که نزد «زینب بنت جحش» (یکی از همسرانش) می‌رفت زینب از عسلی که تهیه کرده بود خدمت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داد. این سخن به گوش عایشه رسید و بر او گران آمد می گوید: من با «حفصه» یکی دیگر از همسران پیامبر، قرار گذاشتیم که هر وقت پیامبر صلی الله علیه و آله نزد یکی از ما آمد فورا بگوئیم: آیا صمغ «مغافیر» (۱) خورده‌ای؟ چون پیامبر مقیّد بود که هرگز بوی نامناسبی از دهانش یا لباسش نیاید بلکه به عکس اصرار داشت که ***** ۱- صمغی بود که یکی از درختان حجاز تراوش می کرد و بسیار بدبو بود و بوی نامناسب داشت. (صفحه ۹۴) همیشه خوشبو و معطّر باشد. به این ترتیب روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد «حفصه» آمد او این سخن را به پیامبر گفت، حضرت فرمود: من «مغافیر» نخورده‌ام، بلکه عسلی نزد زینب خورده‌ام و من سوگند یاد می کنم که دیگر از آن عسل ننوشم ولی این سخن را به کسی دیگر مگو (مبادا به گوش مردم برسد و بگویند چرا پیامبر غذای حلالی را بر خود تحریم کرده و یا از کار پیامبر در این مورد و یا مشابه آن تبعیت کنند و یا به گوش زینب برسد و او دل‌شکسته شود). ولی سرانجام «حفصه» این راز را افشاء کرد و بعدا معلوم شد اصل این قضیه توطئه‌ای بوده است پیامبر صلی الله علیه و آله سخت ناراحت شد و این آیات بر او نازل شد. از مجموع این آیات برمی‌آید که بعضی از همسران پیامبر نه تنها او را اذیت و (صفحه ۹۵) ناراحت می کردند بلکه مسأله رازداری که از مهم‌ترین شرایط یک همسر باوفا است، نیز در آنها نبود. خدا در این آیه روی سخن را به تمام زنان پیامبر کرده با لحنی که خالی از تهدید نیست می‌فرماید: «هرگاه او شما را طلاق دهد امید می‌رود که به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد». در اینجا قرآن، شش وصف برای همسران خوب، شمرده که می‌تواند الگویی برای همه مسلمانان به هنگام انتخاب همسر باشد. نخست «اسلام» و سپس «ایمان» یعنی اعتقادی که در اعماق قلب انسان نفوذ کند و سپس حالت «قنوت» یعنی تواضع و اطاعت از همسر و بعد از آن «توبه» یعنی اگر کار خلافی از او سر زند در اشتباه خود اصرار نورزد و از درِ (صفحه ۹۶) عذرخواهی درآید و بعد از آن «عبادت» ، خداوند، عبادتی که روح و جان او را بسازد و پاک و پاکیزه کند و سپس «اطاعت فرمان خدا» و پرهیز از هرگونه گناه. قابل توجه اینکه «سائِحات» را جمع «سائِح» به معنی روزه‌دار تفسیر کرده‌اند، به طوری که راغب در «مفردات» می گوید: روزه بر دو نوع است: «روزه حقیقی» که به معنی «ترک غذا و آمیزش است» و «روزه حکمی» که به معنی «نگهداری اعضای بدن از گناهان» است و منظور از روزه در اینجا معنی دوم است و منظور از «سائِحات» در اینجا همان کسانی است که تمام اعضای بدن را از گناهان نگه می‌دارند و در طریق اطاعت خدا سیر می کنند. این نیز قابل توجه است که قرآن روی باکره و غیر باکره بودن زن تکیه نکرده و برای آن اهمیتی قائل نشده زیرا در مقابل اوصاف معنوی که ذکر شد این مسأله اهمیت ندارد. (صفحه ۷) یکی از صفات زن، «صالح» بودن زناست یعنی کسی که شایستگی ولیاقت روحی و پاکی درونی و روانی داشته و از ناپاکی‌ها، آلودگی‌ها و خبث باطن پاک و منزه باشد. آنگاه قرآن مجید زنان صالحه را معرفی می کند: «... فَالصَّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَیْبِ بِما حَفِظَ اللَّهُ: پس زنان صالحه، کسانی هستند که با کمال تواضع و خضوع، همواره مطیع و در غیاب همسر نیز حافظ اسرار و شؤون خانواده هستند».(۱) صالِحات: زنان صالح غَیْب: نهان قانِتاتٌ: زنان مطیع ***** ۱- ۳۴ / نساء. (صفحه ۹۸) حَفِظَ: نگهداری، مراقبت حافِظاتٌ: زنان نگهدارنده و حافظ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «بهترین زنان شما برای همسری زنی است که زایا، مهربان، پاکدامن باشد، نزد فامیلش عزیز و محترم و در مقابل شوهر متواضع و مهربان و فروتن باشد، از خودآرایی برای شوهر خویش کوتاهی نکند اما در برابر دیگران به حدّی خوددار باشد که بی‌اعتنا جلوه کند، نظرات همسر خویش را به ویژه در امر زناشویی مراعات کند و در برابر خواسته‌های مشروع او تسلیم باشد و اما در عین حال سنگینی و وقار خود را از دست ندهد».(۱) ***** ۱- وسائل

الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۱۴. (صفحه ۹۹) امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «بهترین زنان شما، زنانی هستند که خوشبو و معطّر باشند و در خانه‌داری، کدبانوی خوب و خوش‌پخت و مهارت در آشپزی داشته باشند و در پذیرایی از مهمان و احسان بر فقراء، احساس خوشحالی نمایند و در اسراف و مصرف‌های بی‌مورد قدم برندارند اگر چنین باشد بدانند که آنان از کارگزاران الهی بوده و هرگز پشیمان نخواهند بود».(۱) بنا به نتیجه‌ای که از آیات و احادیث به دست می‌آید اوصاف یک زن خوب و شایسته به شرح زیر می‌باشد: ***** ۱- فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۲۵. (صفحه ۱۰۰) ۱ تقوی و ایمان ۲ تمکین و تأمین نیاز جنسی ۳ عفت و پاکدامنی و شرم و حیا ۴ پیروی زن از شوهر ۵ تدبیر اقتصادی و هماهنگی با امکانات شوهر ۶ زایا و بچه‌دار شدن ۷ زینت و آرایش برای شوهر ۸ رازداری زن نسبت به شوهر ۹ عشق و محبت بی‌نظیر به شوهر همانطوری که داشتن همسر صالح برای مردان مایه خوشبختی و (صفحه ۱۰۱) سعادت است برای تمام زنان نیز داشتن شوهر شایسته بالاترین آرزوها است. «إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکُمْ: ما شما را چه زن و چه مرد شعبه و قبیله قرار دادیم تا مورد شناسایی قرار گیرید در حقیقت بزرگوارترین و گرامی‌ترین شما در پیشگاه خدا، با تقوی ترین شما است».(۱) در این آیه ملاک شایستگی، فقط تقوا معرفی شده و برای زن یا مرد، هیچ چیز دیگر قابل مقایسه با صفت «تقوی» نیست. «وَ الَّذینَ یَرْمُونَ الْمُحْصَناتِ ثُمَّ لَمْ یَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَداءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمانینَ جَلْدَةً وَ لا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهادَةً أَبَداً وَ أُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ: و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آنها فاسقان هستند».(۱) «قُلْ لِلْمُؤْمِنینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أَزْکی لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبیرٌ بِما یَصْنَعُونَ: به مردان مؤمن و باایمان بگو که چشمان خود را فرو بندند و عورت‌های خود را حفظ کنند این برای آنها پاکیزه‌تر است، همانا خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است».(۲) ***** ۱- ۱۳ / حجرات. (صفحه ۱۰۲) همچنین امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: ***** ۱- ۴ / نور. ۲- ۳۰ / نور. (صفحه ۱۰۳) «شایستگی داماد در تقوا و دیانت و امانتداری او نهفته است هر کس واجد این شرایط باشد، درخواست او را بپذیرد».(۱) پیامبر اکرم علیه‌السلام می‌فرمایند: «هان، ای مردم کامل‌ترین مردم از جهت ایمان آن شخصی است که اخلاقش نیکو و نسبت به همسرش مهربان‌تر باشد».(۲) امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند: «هر شوهری که دارای امکانات باشد برای او واجب است زندگی خانوادگی را توسعه بخشد».(۳) ***** ۱- مکارم الاخلاق، صفحه ۲۰۴ . ۲- وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۵۰۹. (صفحه ۱۰۴) امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «بهترین مردان شما، سخاوتمند و مهمان نواز شما است و بدترین مردان شما افراد بخیل می‌باشد». (۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «از جمله نشانه‌های شوهران ممتاز این است که نسبت به پدر و مادر خویش مهربان و نیکوکار باشند».(۲) از این آیات و احادیث نتیجه می‌گیریم که بهترین شوهران و مردان، ***** ۱- روضهٔ المتقین، جلد ۵، صفحه ۳۸۰. ۲- مکارم الاخلاق، صفحه ۱۶۶. ۳- روضهٔ المتقین، جلد ۸، صفحه ۱۰۸. (صفحه ۱۰۵) دارای صفات ذیل می‌باشند: ۱ دیانت و تقوی و ایمان دارند. ۲ اخلاق و تلاشگری و کوشایی دارند. ۳ عفت کلام دارند و فحش نمی‌دهند. ۴ مهمان نوازند. ۵ پاکیزه و آراسته‌اند. ۶ بخشش و سخاوت دارند. ۷ امین بودن. ۸ نسبت‌به والدین خود نیکوکارند. ۹ اصالت و نجابت خانوادگی دارند. (صفحه ۱۰۶)

نگاه کردن پیش از ازدواج

اشاره

«لا یَحِلُّ لَکَ النِّساءُ مِنْ بَعْدُ وَ لا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْواجٍ وَ لَوْ أَعْجَبَکَ حُسْنُهُنَّ إِلاَّ ما مَلَکَتْ: بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست و نمی‌توانی همسرانت را به همسران دیگری تبدیل کنی، هرچند جمال آنها مورد توجه تو واقع شود مگر آنچه که به صورت کنیز در ملک تو در آید ...».(۱) جمعی از مفسران جمله «وَ لَوْ أَعْجَبَکَ حُسْنُهُنَّ» (۲) را دلیل بر حکم معروفی گرفته‌اند که در روایات اسلامی نیز به آن اشاره شده و آن اینکه کسی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند می‌تواند قبلًا به او نگاه کند، نگاهی که وضع *****۱- ۵۲ / احزاب. ۲- هرچند زیبایی آنها اعجاب تو را برانگیزد. (صفحه ۱۰۷) و قیافه و اندام او را برای وی مشخص کند. فلسفه این حکم این است که انسان با بصیرت کامل همسر خود را انتخاب کند و از ندامت و پشیمانی آینده که پیمان زناشویی را به خطر می‌افکند جلوگیری کند چنانچه در حدیثی از پیامبر اسلام آمده است که به یکی از یاران خود که می‌خواست با زنی ازدواج کند فرمود: «قبلًا به او نگاه کن که این سبب می‌شود مودت و الفت میان شما پایدار شود».(۱) در حدیثی دیگر از امام صادق می‌خوانیم: که در پاسخ این سؤال که: «آیا مرد می‌تواند به هنگام تصمیم بر ازدواج با زنی او را به دقت بنگرد و *****۱- تفسیر قرطبی، جلد ۸، صفحه ۵۳۰۳. (صفحه ۱۰۸) به صورت و پشت سر او نگاه کند؟». فرمود: «آری، مانعی ندارد، هنگامی که مردی بخواهد با زنی ازدواج کند به او نگاه کند و به صورت و پشت سر او بنگرد».(۱) همانطوری که ملاحظه می‌کنید، همگی روایات حاکی است که این نگاه کردن‌ها، با دو شرط، نه تنها جایز است بلکه ضروری به نظر می‌رسد و آن دو شرط عبارتند از: ۱ مرد این عمل را به قصد شهوترانی انجام ندهد، اگرچه ممکن است هنگام تماشا کردن این موضوع حاصل شود. *****۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴. (صفحه ۱۰۹) ۲ این نگاه‌ها به قصد ازدواج صورت بگیرد نه برای اغراض دیگر و یا خدای نکرده برای هوسرانی.

نگاه کردن از دیدگاه فقهی

مرحوم صاحب جواهر که از علماء بسیار بزرگ شیعه می‌باشند می‌فرمایند: «کسی که اراده تزویج نموده، می‌تواند به صورت و دست‌ها و موی سر و محل زینت زن نگاه کند، بلکه به جز عورتین، نگاه کردن وی به سایر اعضاء او نیز مجاز و مشروع است». (۱) قابل توجه اینکه با این فتوا، تمام مراجع تقلید فعلی موافقت کرده‌اند. *****۱- عروهٔ الوثقی، فصل مستحبات نکاح. (صفحه ۱۱۰) و حضرت امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «در صورتیکه کسی اراده تزویج با فردی را داشته باشد و احتمال هم بدهد که ازدواج محقّق خواهد شد بدون نظر شهوت می‌تواند به تمام اعضاء بدن وی به جز عورتینش نگاه کند، اگر چه تلذّذ پس از نگاه کردن حاصل می‌شود امّا احتیاط مستحب این است که فقط به صورت، دست‌ها و محل زینت و موی سرش نگاه کند و از دیدن بقیه قسمت‌ها اجتناب نماید».(۱)

پیشنهاد پدر و کسان دختر در ازدواج با پسر عیب نیست

«قالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنْکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هاتَیْنِ عَلی أَنْ تَأْجُرَنی ثَمانِیَ حِجَجٍ فَإِنْ *****۱- تحریرالوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۴۵. (صفحه ۱۱۱) أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِکَ وَ ما أُرِیدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَیْکَ سَتَجِدُنی إِنْ شاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِینَ: شعیب گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبّتی از ناحیه تو است، من نمی‌خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم و ان شاء اللّه مرا از صالحین خواهی یافت».(۱) استفاده می‌شود آنچه امروز در میان ما رایج شده که پیشنهاد پدر و کسان دختر را در مورد ازدواج با پسر

عیب می‌داننـد درست نیست، هیـچ مـانعی نـدارد کسان دختر شخصـی را که لایق همسـری فرزنـدشان می‌داننـد، پیـدا کننـد و ***** ۱– ۲۷ / قصص. (صفحه ۱۱۲) به او پیشنهاد دهند همان‌گونه که شعیب چنین کرد. در اینجا چند سؤال پیش می‌آید و آن اینکه: الف: آیا از نظر فقهی صحیح است دختری که می‌خواهـد به ازدواج کسـی درآیـد دقیقا معلوم نباشد؟ پاسخ: معلوم نیست که عبارت فوق به هنگام اجرای صیغه گفته شده باشد بلکه ظاهر این است که گفتگوی مقدماتی و به اصطلاح «مقاوله» است تـا بعـد از موافقت حضـرت موسـی، طرفین یکـدیگر را انتخاب کننـد. ب: آیا می‌توان «مهر» را به صورت مجهول و مردد میـان کم و زیـاد قرار داد؟ پاسـخ: از لحن آیه برمی‌آیـد که مهریه واقعی هشت سـال خـدمت کردن بوده است و دو سال دیگر مطلبی بوده است موکول به اراده و میل حضـرت موسـی. (صـفحه ۱۱۳) ج: اصولاًـ آیا می‌توان «کار و خـدمات» را مهریه قرار داد؟ و چگونه می‌توان بـا چنین همسـری هم بستر گردیـد در حـالی که هنوز زمـان پرداخت تمـام مهریه او فرا نرسـیده است؟ پاسخ: هیچ دلیلی بر عدم جواز چنین مهری وجود ندارد، بلکه اطلاقات ادّله مهر در شـریعت ما نیز هر چیزی را که ارزش داشته باشـد شامل می‌شود، این هم لزومی نـدارد که تمام مهر را یک‌جا بپردازند، همین اندازه که تمام آن در ذمه شوهر قرار گیرد و زن مالک آن شود کافی است، اصل سـلامت و استصـحاب نیز حکم می‌کنـد که این شوهر زنـده می‌ماند و توانایی بر اداء این خـدمت را دارد. د: اصولاً چگونه ممکن است خـدمت کردن به پدر، مهر دختر قرار گیرد؟ مگر دختر کالایی است که او را به آن خدمت می‌فروشند؟ (صفحه ۱۱۴) پاسخ: بدون شک شـعیب از سوی دخترش در این مسأله احراز رضایت نموده و وکالت داشت که چنین عقدی را اجرا کند و به تعبیر دیگر مالک اصـلی در ذمه موسی، همان دختر شعیب بود، اما از آنجا که زندگی همه آنها به صورت مشترک و در نهایت صـفا و پاکی می‌گـذشت و جـدایی در میان آنها وجود نداشت این مسأله مطرح نبود که ادای این دین چگـونه بایـد باشـد. ه: مهریه دختـر شـعیب مهریه سـنگینی بوده زیرا اگر به حسـاب امروز کـار یـک کـارگر معمولی را در یـک سال محاسـبه کنیم و سـپس در ۸ ضـرب کنیم مبلغ قابـل ملاحظه‌ای می‌شود؟ پاسخ: اولاً این ازدواج یک ازدواج ساده نبود بلکه مقـدماتی بود برای ماندن موسـی در مکتب شـعیب، مقدمه‌ای بود برای اینکه موسـی یک (صـفحه ۱۵) دانشـگاه بزرگ را در این مـدت طولانی طی کند و خدا می‌داند که در این مدّت موسـی چه چیزها از «پیر مدین» (شـعیب) فرا گرفت. از این گذشـته اگر موسـی این مدّت را برای شـعیب کار می‌کرد، در عوض شعیب نیز تمام زندگی او و همسرش را از این طریق تـأمین می‌نمود بنـابراین اگر هزینه موسـی و همسـرش را از مزد این کـار کم کنیم مبلغ زیـادی بـاقی نخواهـد مانـد و تصدیق خواهیم کرد مهر ساده و سبکی بوده است.

آیا می‌توان با همسری بدون مهر ازدواج کرد؟

«... وَ امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَـها لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْـتَنْكِحَها خالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنينَ قَدْ عَلِمْنا ما فَرَضْنا عَلَيْهِمْ في أَزْواجِهِمْ وَ مـا مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ لِكَيْلا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحيماً: و هرگاه زن با ایمانی خود را به (صـفحه ۱۱۶) پیامبر ببخشـد (و مهری برای خود قایل نشود) چنانچه پیامبر بخواهـد می‌تواند با او ازدواج کند، امّا چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه سایر مؤمنان، ما می‌دانیم برای آنها در مورد همسـرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرّر داشته‌ایم، این به خاطر آن است که مشـکلی در ادای رسـالت بر تـو نبـوده باشـد و خداونـد آمرزنـده و مهربـان است».(۱) در این آیه بـدون شـک اجـازه «گرفتن همسـر بدون مهر» از مختصات پیامبر صـلی الله علیه و آله بود و آیه نیز صراحت در این مسأله دارد و به همین جهت از مسلمات فقه اسلام است، بنابراین هیچ کس حق ندارد همسری را بدون مهر (کم باشد یا زیاد) ازدواج کند حتی اگر نام مهریه هنگام اجرای صـیغه عقد برده نشود و قرینه تعیین ***** ۱– ۵۰ / احزاب. (صفحه ۱۱۷) کننـده‌ای نیز در کار نباشد باید «مَهْرُ

الْمِثْل» پرداخت. منظور از «مَهْرُ الْمِثْل» مهریه‌ای است که زنانی با شرایط و خصوصیات او معمولاً برای خود قرار می‌دهند. و در اینکه این حکم کلی در مورد پیامبر مصداقی پیدا کرده یا نه؟ بعضی از مفسّرین چون ابن عباس معتقدند که پیامبر با هیچ زنی به این کیفیت ازدواج نکرد بنابراین این حکم بالا فقط یک اجازه کلی برای پیامبر بود که هرگز مورد استفاده قرار نگرفت در حالی که بعضی دیگر از مفسّرین نام چهار زن از همسران پیامبر را برده‌اند که بدون مهریه ازدواج آن حضرت درآمدند: «میمونه» دختر حارث، «زینب» دختر خزیمه، «ام شریک» دختر جابر، «خوله» دختر حکیم بوده است و بدون شک این گونه زنان تنها خواهان کسب افتخار معنوی بودند که از طریق پیامبر برای آنها حاصل می‌شد لذا بدون هیچ مهری (صفحه ۱۱۸) آماده همسری با او شدند. و همچنین از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که اجرای صیغه ازدواج با لفظ «هبه» تنها مخصوص پیامبر بوده و هیچ فرد دیگری نمی‌تواند با چنین لفظی عقد ازدواج را اجرا کند ولی اگر اجرای عقد با لفظ ازدواج و نکاح انجام گیرد جایز است هرچند نامی از مهر برده نشود، زیرا همان‌گونه که گفته شد در صورت عدم ذکر مهر باید «مهر المثل» پرداخت.

تعبیر به «ازدواج» همسران دائمی و موقت هر دو را شامل می‌شود

«إِلَّا عَلى أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ: تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از این‌ها مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند».(۱) (صفحه ۱۱۹) تعبیر به «همسران» شامل همسران دائم و موقت هر دو می‌شود. از آیات فوق استفاده می‌شود که تنها دو گروه از زنان بر مردان حلال هستند، نخست همسران و دیگر کنیزان (با شرایط مخصوص) و به همین جهت این آیه در کتب فقهیه در بحث‌های نکاح در موارد بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به این حقیقت که (متعه) به طور مسلّم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلال بوده است و احدی از مسلمانان آن را انکار نمی‌کنند و با توجه به اینکه متعه یک نوع ازدواج است، ازدواجی است موقّت و دارای شرایط ازدواج دائم، بنابراین قطعا در جمله «اِلّا عَلى اَزْواجِهِمْ» داخل است و به همین دلیل به هنگام خواندن ***** ۱ - ۶ / مؤمنون و ۳۰ / معارج. (صفحه ۱۲۰) صیغه ازدواج موقّت، از همان صیغه‌های ازدواج دائم با قید مدّت استفاده می‌شود و این بهترین دلیل بر ازدواج بودن آن است.

شرایط عقد ازدواج دائم و موقّت

اول: آنکه به عربی صحیح خوانده شود به احتیاط واجب. دوّم: مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می‌خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می‌خوانند زن به گفتن «زَوَّجْتُکَ نَفْسی» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قَبِلْتُ التَّزْویجْ» زن بودن او را برای خود قبول کند. سوّم: کسی که صیغه را می‌خواند بالغ و عاقل باشد. چهارم: زن و مرد به ازدواج راضی باشند. (صفحه ۱۲۱) پنجم: اگر وکیل زن و شوهر و یا ولیّ آنها صیغه را می‌خوانند، در عقد، زن و شوهر را معین کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره کنند.

دستور خواندن عقد ازدواج دائم و موقت

اشاره

به واسطه عقد ازدواج، زن به مرد حلال می‌شود و آن بر دو قسم است: دائم، غیر دائم. عقد دائم آن است که مدت زناشویی

در آن معین نشود و زنی را که به این قسم عقـد کنند دائمه می‌گویند و عقد غیر دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود مثلاً زن را به مـدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه ... عقـد نماینـد و زنی را که به این قسم عقـد کنند متعه و صـیغه می‌نامند. در ازدواج زناشویی دائم و موقت باید صیغه عقد خوانده شود.

دستور خواندن عقد دائم

(صفحه ۱۲۲) اگر صـیغه عقـد دائم را خود زن و مرد بخواننـد و اول زن بگویـد: «زَوَّجْتُکَ نَفْسـی عَلَی الصِّداقِ الْمَعْلُوم» (یعنی خودرا زن تو نمودم به مهری که معین شده). پس از مرد بدون فاصـله بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْویجَ» (یعنی قبول کردم ازدواج را(۱))، عقـد صـحیح است. و اگر دیگری را وکیل کننـد که از طرف آنها صیغه عقد بخواند وکیل زن می‌گوید: «زَوَّجْتُ مُوَکِّلَتی ... مُوَکِّلَکَ ... عَلَی الصِّداقِ الْمَعْلُوم» پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی ... عَلَی الصِّداقِ» صحیح باشد.

دستور خواندن عقد موقت (غیر دائم)

***** ۱- توضیح المسائل، امام خمینی (ره). (صفحه ۱۲۳) اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند بعد از آنکه مـدت و مهر را معین کردنـد (تعیین مدت و مهر در عقد موقّت لازم و واجب است). چنانچه زن بگوید: «زَوَّجْتُکَ نَفْسی فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُومَ» بدون فاصـله مرد بگوید: «قَبِلْتُ» صـحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اوّل وکیل زن به وکیل مرد بگویـد: «مَتَّعْتُ مُوَکِّلَتی مُوَکِّلَکَ فِی الْمُـدَّةِ الْمَعْلُومَـةِ عَلَی الْمَهْرِ الْمَعْلُوم» پس بـدون فاصـله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی هکَذا» صحیح می‌باشد.(۱)

فسخ عقد ازدواج

***** ۱- توضـیح المسائل، امام خمینی (ره). (صـفحه ۱۲۴) «یـا أَیُّهَـا الَّذینَ آمَنُوا إِذا جاءَکُمُ الْمُؤْمِناتُ مُهاجِراتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِیمـانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ فَلا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَی الْکُفَّارِ لا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لا هُمْ یَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ آتُوهُمْ ما أَنْفَقُوا وَ لا جُناحَ عَلَیْکُمْ أَنْ تَنْکِحُوهُنَّ إِذا آتَیْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ لا تُمْسِـکُوا بِعِصَمِ الْکَوافِرِ وَ سْـئَلُوا ما أَنْفَقْتُمْ وَ لْیَسْـئَلُوا ما أَنْفَقُوا ذلِکُمْ حُکْمُ اللَّهِ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ وَ اللَّهُ عَلیمٌ حَکیم: ای کسـانی که ایمـان آوردهایـد! هنگامی که زنان باایمان به عنوان هجرت نزد شـما آینـد، آنها را آزمایش کنیـد خداوند از ایمان آنها آگاه‌تر است هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آنها را به‌سوی کفار باز نگردانید، نه آنها برای کفار حلالنـد و نه کفار برای آنها حلال و آنچه را همسـران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته‌اند، به آنها بپردازید و گناهی بر شـما نیست که با آنها ازدواج کنیـد، هرگاه مهرشان رابه آنها بدهیـد و هرگز همسـران کافر را در همسـری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد) حق دارید مهری را که پرداخته‌اید، مطالبه کنید، همان‌گونه که آنها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده‌اند، از شـما مطالبه کنند، این حکم خداوند است که در میان شـما حکم می‌کنـد و خداونـد دانا و حکیم است.» (صـفحه ۱۲۵) «وَ إِنْ فـاتَکُمْ شَـیْءٌ مِنْ أَزْواجِکُمْ إِلَی الْکُفَّارِ فَعـاقَبْتُمْ فَـآتُوا الَّذینَ ذَهَبَتْ أَزْواجُهُمْ مِثْـلَ مـا أَنْفَقُـوا وَ اتَّقُـوا اللَّهَ الَّذی أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُـونَ: و اگر بعضـی از همسـران شـما از دسـتتان برونـد (و به سـوی کفـار بازگردنـد) و شـما در جنگی بر آنـان پیروز شدیـد و غنایمی گرفتیـد، به کسانی که همسـرانشان رفته‌انـد، هماننـد مهری را که پرداخته‌انـد، بدهید و از مخالفت خداوندی که همه به او ایمان دارید، بپرهیزید.(۱) (صفحه ۱۲۶) در این آیه خداوند به عنوان

تأکیـد می‌فرمایـد: «لاـ هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لا هُمْ یَحِلُّونَ لَهُنَّ» چراکه ایمان و کفر در یک جا جمع نمی‌شود و پیمان مقـدس ازدواج نمی‌توانـد میـان مؤمن و کـافر رابطه‌ای برقرار سازد، چراکه این‌ها در دو خط متضاد قرار دارنـد، درحالی که پیمان ازدواج باید نوعی وحـدت در میان دو زوج برقرار سازد و این دو با هم سازگار نیست. از آنجا که معمول عرب بود که مهریه زنان خود را قبلاًـ می‌پرداختنـد خداونـد می‌فرمایـد: «وَ اتُـوهُمْ مـا اَنْفَقُوا». ***** ۱ – ۱۰ و ۱۱ / ممتحنـه. (صـفحه ۱۲۷) درسـت است که شوهرشـان کافر است اما چون اقـدام بر جـدایی به وسـیله ایمان از طرف زن شـروع شـده، عـدالت اسـلامی ایجاب می کنـد که خسارات همسـرش خصوصا مهریه وی پرداخته شود. البته این پرداخت مهر در مورد مشـرکانی بود که با مسلمانان پیمان ترک مخاصـمه امضاء کرده بودند. اما چه کسی باید این مهر را بپردازد؟ ظاهر این است که این کار برعهده حکومت اسلامی و بیت المال است، چراکه تمام اموری که مسئول خاص در جامعه اسـلامی ندارد، برعهده حکومت است و خطاب جمع در آیه مورد بحث گواه این معنی است. و همچنین در حکم دیگری می‌فرماید: «وَ لا جُناحَ عَلَیْکُمْ ...». مبادا تصور کنید که چون قبلاً مهری از شوهر سابق گرفته‌اند و معادل آن از (صـفحه ۱۲۸) بیت‌المال به شوهرشان پرداخته شـده، اکنون که با آنها ازدواج می کنید، دیگر مهری در کار نیست و برای شـما مجّانی تمام می‌شود، نه، حرمت زن ایجاب می کند که در ازدواج جدید نیز مهر مناسبی برای او در نظر گرفته شود، بایـد توجه داشت که در اینجا زن بدون طلاق از شوهر کافر جدا می‌شود، ولی باید عدّه نگه دارد. امّا هرگاه قضـیه برعکس باشد، یعنی شوهر اسلام را بپذیرد و زن بر کفر باقی بماند، در اینجا نیز رابطه زوجیّت به هم می‌خورد و نکاح فسخ می‌شود، چنانچه در ادامه همین آیه می‌فرماید: «وَ لا تُمْسِکُوا بِعِصَمِ الْکَوافِرِ». «عِصَمْ» جمع «عصـمت» در اصل به معنی «منع» و در اینجـا به معنی «نکـاح و زوجیّت» است. «کَوافِر» جمـع «کـافِرَهْ» به معنی «زنـان کـافر» است و ظـاهر آیه مطلق می‌باشد و همه (صفحه ۱۲۹) زنان کافر (زنان مشرک، زنان اهل کتاب) را شامل می‌شود. و در آخرین حکم که در آیه آمده، سخن از مهر زنانی است که از اسـلام جدا می‌شوند و به اهل کفر می‌پیوندند، می‌فرماید: «وَ سْئَلُوا ما أَنْفَقْتُمْ وَ لْیَسْئَلُوا ما أَنْفَقُوا: و این مقتضـای عـدالت و احترام به حقوق متقابل است». و در عین اینکه مسـلمانان به حکم عادلانه ذکر شـده در آیه قبل عمل کردند، مشـرکان سـرباز زدند، لذا دستور داده شده برای عدم تضییع حق این افراد، هرگاه غنایمی بدست آمد، اول حق آنها را بپردازنـد سـپس غنایم را تقسـیم کننـد و این احتمال هم وجود دارد که حکم فوق مربوط به اقوامی باشـد که مسـلمانان با آنها پیمـان نداشـتند و طبعا حاضـر نبودنـد مهر این گونه زنان را به مسـلمانان باز پس دهنـد، جمع میان هر دو معنی نیز ممکن است. (صفحه ۱۳۰) در تواریـخ و روایـات آمـده است که این حکم اسـلامی تنها شامل شـش زن شـد که از همسـران مسـلمان خود بریدند و به کفار پیوسـتند و پیامبر صـلی الله علیه و آله مهر همه آنها را از غنایم جنگی به شوهرانشان بازگرداند. قال الله تعالی: «وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَهً فَإِنْ طِبْنَ لَکُمْ عَنْ شَیْءٍ مِنْهُ نَفْساً فَکُلُوهُ هَنیئاً مَریئاً» (۱). و مهر زنـان را (به طور کامـل) به عنوان یـک بـدهی (یـا یـک عطیه) به آنها بپردازیـد و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شـما ببخشـند آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

مهر

تعریف واژه مَهْر (صداق)

***** ۱ – ۴ / نساء. (صـفحه ۱۳۱) مهر کلمه‌ای است عربی و در فارسـی آن را کـابین گوینـد و لغـات دیگر مـترادف آن در عربی، صـداق، نحله، فریضه، اجر می‌باشد. در قرآن مجید واژه مهر به کار نرفته بلکه از لغات معادل آن اسـتفاده شده که یکی

از آن صداق است و «وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً» (۱) (۲) و در قاموس قرآن آورده: صَدُقَه: به فتح صاد و ضم دال مهریه زن است که جمع آن در قرآن صَدُقات آمده.(۳) اخفش از قول بنی تمیم نقل می‌کند که: ***** ۱- ۴ / نساء. ۲- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶۲، تاریخ انتشار اردیبهشت ۱۳۵۴. ۳- قاموس قرآن، جلد ۴ ۳، صفحه ۱۱۷، ماده (صدق). (صفحه ۱۳۲) صُدْقةٌ، به ضم صاد و سکون دال جمع صَدُقات است (۱) در فرهنگ جامع هم صُدْقهٔ و صَداق و صِداق و اَصدِقه و صُدْق، به معنی مهریه آمده است. (۲) راغب اصفهانی هم در مورد صِداق می‌فرماید: صداق با کسر و فتح و ضم آن چیزی است که به زن از باب مهر پرداخت می‌شود علت اینکه به مهر در قرآن به صِداق تعبیر شده است حاکی از بنیان و تشکیل یک خانواده براساس صداقت و درستی است. ***** ۱- اعراب القرآن، جلد ۱، صفحه ۴۳۴. ۲- فرهنگ جامع (عربی فارسی) جلد اول، ماده صدق. (صفحه ۱۳۳)

فلسفه مهریه

فلسفه مهریه

حکمت متعالیه الهی هیچ فعلی را بدون حکمت و هدف تشریع ننموده است. بنابراین بر صاحبان اندیشه و پژوهشگران متعهد است که در حد توان عملی خود پرده از روی حکمت‌های احکام تشریعی برداشته و آن چهره زیبا و متکامل قوانین الهی را برای انسان کمال طلب و حقیقت جو، با قلم هنرمندانه خود به تصویر بکشند و ابر تیره و تار ضلالت را از پیش چشم کج‌اندیشان بی‌سلیقه و روشنفکر مآب‌های خود باخته کنار زنند، تا ایرادهای ناآگاهانه بر مهریه گرفته نشود و مهریه را نوعی معامله و نهایتا توهین به زن نشمارند. در فلسفه مهریه باید روشن شود که تمام ایرادهایی که بر مهریه گرفته شده است با دید تنگ نظرانه مادی و اقتصادی بوده است و سایر ابعاد معنوی و تربیتی لطیف مهریه که حاکی از پیوند محبت و عشق و بقاء و (صفحه ۱۳۴) تکامل بوده است منظور نشده است. در پیگیری هدفی که در جهت روشن شدن فلسفه مهریه داشتیم با استمداد از توفیقات الهی و با استفاده از تفاسیر بزرگان که در ذیل آیه شریفه ۴ / نساء بیان کرده‌اند، به نکته قابل توجهی رسیدیم که برای ما حائز اهمیت بوده و اعتقاد مرا به حکمت الهی راسخ‌تر نموده است. با اعتراف به اینکه نتیجه به دست آمده تمام فلسفه مهریه نبوده و هنوز حق مطلب ادا نشده است نتایج تحقیق با توضیح ارائه می‌شود.

۱ مهریه تجلی فطرت و طبیعت است

هدیه دادن به محبوب به عنوان اظهار محبّت و نشان دادن علاقه، امری فطری و طبیعی است که معمولاً ـ از سوی کسی که پیشقدم می‌شود و طالب و یا (صفحه ۱۳۵) خواستگار است ارائه می‌شود. طبیعتا و غالبا در نظام آفرینش، جنس مذکر خواستگار جنس مؤنث است همانطور که دانشمندان علوم تجربی هم این موضوع را در نظام آفرینش و زندگی حیوانات کشف کرده‌اند، که جنس مذکر قبل از جفت‌گیری هدیه‌ای را به همسر آینده‌اش تقدیم می‌کند. در کتاب «اسرار جهان دانش» تحت عنوان نامزدی و زناشوئی در میان پرندگان آمده است: عجیب‌تر از همه، استفاده از هدیه عروسی بین پرندگان است که به تازگی کشف کرده‌اند. زاغچه نر بعد از بازدید آشیانه‌های مورد نظر به اتفاق همسر آینده‌اش، به او یک حشره هدیه می‌کند. (صفحه ۱۳۶) سهره چند هفته بعد از نامزدی با هدیه نمودن دانه‌هایی چند به معشوق خود عشقش را محکم‌تر می‌سازد. یک نوع پرنده دریایی به نام مرغ اسکله رقص ازدواج را متوقف کرده و داخل رودخانه می‌شود و از آنجا یک ماهی

صید کرده و به همسر آینده‌اش، هدیه می کند. مرغان گوشتخوار هدیه مهم‌تری تقدیم می‌دارند. مار چیزی هدیه نمی کند اما چند شکاف درخت را با برگ یا علف و گاهی با گل تزئین می کند و به آواز مخصوصی آنها را به نامزدش نشان می‌دهد. به طور کلی پیشکش‌ها مختلف است اغلب وسایل موردنیاز برای آشیانه سازی یا خوراکی هدیه می کنند و یا تحفه‌هایی بی‌فایده ولی سمبولیک تقدیم می‌دارند. چرا این هدایا را می‌دهند؟ گویی پرنده نر بدان وسیله اظهار می‌دارد: من هنگام خوابیدن روی تخم‌ها از تو (صفحه ۱۳۷) خوب مواظبت خواهم کرد و برایت غذا فراهم خواهم کرد یا می گوید باید به فکر ساختن آشیانه‌مان باشیم. واضح است که این تعبیر و تفسیرها ساخته و پرداخته ذهن بشری است و باید در صحت آنها تردید کرد. ممکن است که تقدیم این هدایا جزو یک سلسله از بازتاب‌های مشروط باشد که منجر به ازدواج می گردد ولی مطلب جالب توجه این است که همواره ماده مورد احترام نر است و غالبا هدیه از طرف نر به ماده داده می‌شود. اما غالب اوقات پرنده ماده او را به دادن هدیه ترغیب می کند. در این موقع او حالت و رفتار پرنده کوچکی را به خود می گیرد که درخواست خوراکی از منقار مادرش دارد و در حالی که با بال‌های لرزان ملتمسانه چمباتمه زده است مانند پرنده تازه از تخم درآمده‌ای با منقار گشوده تقاضای کمک می کند. و بالاخره دکتر ز.وسلوسکی می گوید: هدایا در (صفحه ۱۳۸) بسیاری از تشریفاتِ اظهار عشق، نقش مهمی بازی می کنند. پرستوی دریایی نر برای جفتش یک ماهی کوچک به رسم هدیه می‌آورد و کبوترهای الماسی استرالیا یک دسته علف آبی برای یکدیگر پیشکشی می‌آورند. (۱) علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید: اگر می‌بینید که کلمه صَدُقات به ضمیر (هُنَّ) زنان اضافه شده به جهت بیان این مطلب است که وجوب دادن مهریه زنان مسأله‌ای نیست که فقط آن را دین تأسیس (۲) کرده باشد بلکه مسأله‌ای است که اساسا در بین مردم و در سنن ***** ۱- ازدواج در نظام آفرینش، تألیف: سیدجمال الدین حجازی، ناشر شرکت انتشارات میقات، تاریخ نشر پائیز ۷۰، صفحه ۱۳۶۲. ۲- احکام شرعی یا تأسیسی هستند یا ارشادی، احکام تأسیسی آن است که عقل در مورد حکمی سکوت دارد و شرع آن را بنا و ایجاد می‌نماید برخلاف ارشادی که عقل به تنهایی حکم دارد و شرع هم اظهار نظر کرده است. (صفحه ۱۳۹) ازدواجشان متداول بوده است، سنت خود بشر بر این جاری بوده و هست که پولی و یا مالی را که قیمتی داشته باشد به عنوان مهریه به زنان اختصاص دهند و کأنّه این پول را در مقابل عصمت او قرار می‌دهند و آنچه بین مردم متداول است این است که طالب و داعی برای ازدواج مرد می‌باشد. (۱) استاد بزرگوار شهید مطهری می‌فرماید: قرآن رموز فطرت بشر را با کمال دقت رعایت کرده است و برای اینکه هریک ***** ۱- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین الطباطبائی، (م ۱۴۰۲ ق)، جلد ۴، صفحه ۱۶۹. (صفحه ۱۴۰) از زن و مرد نقش مخصوصی که در طبیعت از لحاظ علائق دوستانه به عهده آنها گذاشته شده، فراموش نکنند لزوم مهر را تأکید کرده است. نقش زن این است که پاسخگوی محبت مرد باشد. محبت زن خوب است به صورت عکس‌العمل محبت مرد باشد نه به صورت ابتدائی. عشق ابتدائی زن، یعنی عشقی که از ناحیه زن شروع بشود و زن بدون آنکه مرد قبلاً او را خواسته باشد عاشق مردی بشود، همواره با شکست عشق و شکست شخصیت خود زن همراه است، برخلاف عشقی که به صورت پاسخ به عشق دیگری در زن پیدا می‌شود، این چنین عشقی نه خودش شکست می‌خورد و نه به شخصیت زن لطمه وارد می‌آورد. (۱) ***** ۱- نظام حقوق زن در اسلام مؤلف: استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا قم چاپ هشتم تیرماه ۱۳۵۷، چاپ امیر قم صفحه ۲۱۱. (صفحه ۱۴۱) پس می‌توان نتیجه گرفت وجود مهریه یک قانون جاری و ساری در طبیعت و خلقت می‌باشد و اسلام به عنوان یک دین کامل و فطری روی این سنت انگشت گذاشته و چهارچوب شرعی و قانونی آن جهت اصلاح امور خانواده بیان کرده است. مخالفت با امر مهریه در واقع مخالفت با یک واقعیت و فطرت می‌باشد که باعث تزلزل در ارکان زندگی می‌شود.

۲ مهر قانون عشق و جذب است

نـوع علاقه زن بـه مرد متفـاوت اسـت و بـا اینکـه تجـاذب طرفینی اسـت، امـا بـه (صـفحه ۱۴۲) عکس اجسـام بی‌جـان، جسم کوچـک‌تر، جسم بزرگ‌تر را به سوی خود می‌کشانـد. آفرینش، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضـا و زن را مظهر محبوبیت و معشـوقیت، قرار داده است. احساسـات مرد، نیـاز آمیز و احساسـات زن نـازخیز است. احساسـات مرد طالبـانه و احساسـات زن، مطلوبانه است. اسـتاد بزرگوار شـهید مطهری در این ارتباط می‌فرمایـد: عرفا قانون عشق را بر سراسـر هستی سـرایت می‌دهند و می‌گوینـد: عشق و جـذب و انجـذاب بر سراسـر موجودات و مخلوقـات حکومت می‌کنـد، بـا این خصوصـیت که موجودات و مخلوقات از لحاظ اینکه هر موجودی وظیفه خاصـی را بایـد ایفا کند متفاوتند، سوز در یک‌جا و ساز در جای دیگر قرار دارد. مهر از آنجـا پیـدا شـد کـه در متن خلقت نقش هریـک از زن و مرد نسبت به (صـفحه ۱۴۳) یکـدیگر یک جور نیست. قانون خلقـت، جمـال و غرور و بی‌نیـازی را در جـانب زن و نیازمنـدی و طلـب و عشـق و تغزل را در جـانب مرد قرار داده است. (۱) زندگی بدون وجود عشق و محبت یک زندگی تشـریفاتی و سـرد و بی‌روح خواهد بود و نتیجه‌ای جز از هم‌پاشـیدگی شیرازه نظـام خانواده و جامعه و بی‌هویتی و ایجاد بحران به دنبال نخواهـد داشت. آنچه به زنـدگی روح و معنی می‌دهـد قانون عشق و محبت است. این عشـق است که موجب بقـاء خـانواده و موجب جنبش و حرکت و گرم کردن ***** ۱- نظام حقوق زن در اسـلام مؤلف: اسـتاد شـهید مرتضـی مطهری، انتشارات صدرا قم چاپ هشتم تیرماه ۱۳۵۷، چاپ امیر قم صـفحه ۲۱۱. (صفحه ۱۴۴) زنـدگی خـانوادگی می‌شود. عشق و محبت در هریک از موجودات جهان به عنوان یک روح و یک نیرو وجود دارد که آنها را در راه وصال، به کوشـش وحدت وامی‌دارد. مهریه هم پیام و نمادی است از اظهار عشق و شروع آغاز زندگی جدید با شیرینی عشـق و محبت. حـال چه مقـدارِ مهریه کم باشـد و چه زیـاد. در قرآن شـریف هم کلمه نحله را به عنـوان حـال از برای صَـدُقاتِهِنَّ آورده است «وَ آتُوا النِّساءَ صَـدُقاتِهِنَّ نِحْلَـةً» (۴ / نسـاء). در تفسـیر مجمع‌البیـان ذیـل آیه شـریفه فوق در مورد نِحْلَة می‌فرمایـد: وَ سُمِّیَ النَّحْـلُ نَحْلًا لِاَنَّ اللّهَ نَحَلَ مِنْهَا النّاسَ الْعَسَلَ الَّذی فی بُطُونِها (۱) ***** ۱- مجمع البیان فی تفسـیر القرآن مؤلـف: امین الـدین ابوعلی الفضـل بن الحسن الطبرسـی الطوسـی (م ۵۴۸، ه ق) نشـر: بیروت: داراحیـاء الـتراث العربی ۱۳۷۹. (صفحه ۱۴۵) زنبور عسـل را نحل گوینـد زیرا خداونـد به واسـطه او از آنچه در درون او است به مردم عسل می‌بخشـد. راغب اصـفهانی هم در مفرداتش می‌گوید: نِحْلَه بخششـی است بر سبیل تَبَرُّع که اخصّ از هبه می‌باشد چون هر هبه‌ای نحله هست اما هر نحله‌ای هبه نیست و اشتقاق نحله از نحل (زنبور عسل) به خاطر فعل (زوج) است مهریه را در هنگام دادن به صورت شیرین و گوارا به همسـر خود می‌دهد. پس آنچه می‌توان از کلمه نحله که به عنوان حال برای مهر آمده است نتیجه گرفت این اسـت که مهریه یک اظهار عشق و محبت فوق‌العاده‌ای می‌باشد که حتی (صفحه ۱۴۶) فوق هبه و بخشش است و شوهر با تعیین مهر نهایت عشق به همسـر و زنـدگی خود را اعلام می‌کنـد آنگاه است که این پیونـد مقـدس شامل این آیه شـریفه می‌شود: «وَ مِنْ آیـاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِـکُمْ أَزْواجـاً لِتَسْـکُنُوا إِلَیْهـا وَ جَعَـلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَـةً إِنَّ فی ذلِـکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ» (۲۱ / روم).(۱) «و از نشـانه‌هـای او اینکه همسـرانی از جنس خود شـما برای شـما آفریـد تـا در کنـار آنها آرامش یـابیـد و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این امر نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کننـد». شـهید مطهری (ره) می‌فرماید: ***** ۱- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۱۶، صفحه ۳۸۸، چاپ ۱۲، تابستان ۱۳۷۴. (صفحه ۱۴۷) رابطه زن و شوهر بالاتر از یک معـادله سـاده است و در آن عـاطفه و مهر، نقش مهمی دارد زیرا زن با مهریه ملک شوهر نمی‌شود ولی قلب او بایـد به تسـخیر مرد درآید. (۱) پس زندگی باید با عشق و شیرینی خاصـی که با علامت مهر نشان داده می‌شود شـروع شود و کلیه تلخی‌های

زندگی شیرین شود و همه مشکلات و دردهای زندگی شفا پیدا کند زیرا یکی از نکات مهمی که در مورد مهر در آیه «صداق» بیان شده عبارتِ « هَنیئاً مَریئا» می‌باشد زیرا همان طوری که خداوند در مورد عسل فرموده شفاء است از برای مردم «یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ ***** ۱- نظام حقوق زن در اسلام: شهید مطهری، صفحه ۲۰۰. (صفحه ۱۴۸) أَلْوانُهُ فیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ» (۷۲/نحل). «از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج می‌شود، به رنگ‌های مختلف، که در آن شفای مردم است». (۱) در مورد مهریه علاوه بر اینکه کلمه نِحْلَهٔ آورده عبارت هَنیئاً مَریئا هم بیان نموده است. در تفسیر مجمع البیان می‌فرماید: فَالْهَنیءُ شِفاءٌ مِنَ الْمَرَضِ (۲) هَنیءُ به معنای شِفاءِ از مرض است. و در تفسیر رَوْضُ الْجِنانِ وَ رَوحُ الْجَنانِ در مورد مَریئا از قول ابوحمزه ***** ۱- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۱۱، صفحه ۲۹۵. ۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن: جلد ۲، (از ده جلدی در ۵ جلدی)، صفحه ۴. (صفحه ۱۴۹) می‌فرمایـد: مَریئا لا داءَ فیهِ (۱) مریئا یعنی چیزی که در آن دردی نیست. در مورد اینکه مهر موجب شفای امراض می‌شود اخبار زیادی از معصومین رسیده که به دو روایت از مستدرک الوسائل اشاره می‌شود. دعائم الاسلام: عن علی علیه‌السلام: اَنَّهُ قالَ: «اَیَعْجِزُ اَحَدُکُمْ اِذا مَرِضَ اَنْ یَسْأَلَ امْرَأَتَهُ فَتَهِبَتْ لَهُ مِنْ مَهْرِها دِرْهِما. فَیَشْتَری بِهِ عَسَلاً فَیَشْرِبُهُ بِماءِ السَّماءِ فَاِنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ یَقُولُ فِی الْمَهْرِ: فَاِنْ طِبْنَ لَکُمْ عِنْ شَیْءٍ مِنْهُ نَفْسا فَکُلُوهُ هَنیئا مَّریئا وَ یَقُولُ فِی الْعَسَلِ: فیهِ شِفاءٌ لِلنّاسِ. وَ یَقُولُ فیماءِ السَّماءِ: اَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً مُبارَکا». (۲) ***** ۱- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن: جلد ۵، صفحه ۱۴۴. ۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: جلد ۱۵، صفحه ۸۲. (صفحه ۱۵۰) یعنی: در دعائم اسلام از علی علیه‌السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: آیا یکی از شما عاجز شده است از مرضی تا اینکه همسرش بخواهد که به او درهمی از مهرش را ببخشد (پس از گرفتن درهم) با آن عسل بخرد و آن را با باران بنوشد چون خداوند در مورد مهر فرموده: اگر مقداری از مهر به شما بخشیدند بخورید آن را هنیئا و مریئا. و در مورد عسل فرمود: در آن شفاء است و در مورد باران فرمود: نازل نمودیم از آسمان آبی مبارک. قطب راوندی نیز روایتی در لب اللباب از قول حضرت علی علیه‌السلام نقل کرده است: مَنْ اَصابَتْهُ عِلَّةٌ فَلْیَسْأَلِ امْرَأَتَهُ ثَلاثَ دَراهِمَ مِنْ صِداقِها وَ یَشْتَری بِها عَسَلاً ثُمَ یَکْتُبُ سُورَةَ یاسینَ بِماءِ الْمَطَرِ وَ یَشْرَبُهُ، شِفاهُ اللّهُ، لِاَنَّهُ اجْتَمَعَ لَهُ الْهَنِئَیَ وَ الْمَرِئَیَ وَ (صفحه ۱۵۱) الشِّفاءَ وَ الْمُبارَکَ».(۱) چون یکی از شما را رنجی باشد سه درهم از مهریه زن خود بخواهد و با آن عسل بخرد و با آب باران بیامیزد و سوره یاسین را با آن بنویسد و بیاشامد، میان هنئی و مرئی و شِفاء و برکت جمع کرده است. روایت فوق با مقدار کمی اختلاف در بسیاری از تفاسیر، ذیل آیه ۴ سوره نساء ذکر شده است.

۳ – مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است

مهر،با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد، زن با الهام فطری دریافته است که ***** ۱- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: جلد ۱۵، صفحه ۸۲. (صفحه ۱۵۲) عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد. همین‌ها سبب شده که زن توانسته با ناتوانی جسمی، مرد را به عنوان خواستگار به آستانه خود بکشاند و مردها را به رقابت با یکدیگر وادار کند زن از مرد در مقابل شهوت تواناتر و خوددارتر آفریده شده است. مرد در مقابل غریزه از زن ناتوان‌تر است این خصوصیت همواره به زن فرصت داده است که دنبال مرد نرود و زود تسلیم او نشود و برعکس مرد را وادار کند که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام نماید یکی از آن اقدامات این بوده که برای جلب رضای او و به احترام موافقت او هدیه‌ای نثار او کند.(۱) ***** ۱- حقوق زن در اسلام: شهید مطهری، صفحه ۲۰۱. (صفحه ۱۵۳) قبلا هم از علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان بیان شد که مهر را عوض عصمت قرار می‌دادند. پس می‌توان نتیجه گرفت که مهریه عامل حفظ و

کنترل دختر از انحراف و نگهداری خود می‌باشد. چون حفظ بکارت تا هنگام عقد شرعی و شوهر قانونی از جمله نشانه پاکدامنی و عصمت زن می‌باشد که اگر چنانچه شوهر شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده می‌تواند عقد را بهم بزند (۱) و در این صورت مهری به زن تعلق نخواهند گرفت چون در حکم تدلیس خواهد بود. ***** ۱- طبق فتوای امام خمینی (ره)، مسأله (۲۴۴۴) توضیح المسائل. (صفحه ۱۵۴) صاحب تفسیر الفرقان در مورد توصیف مهر به نحله می‌فرماید: وَ ایتاءٌ لِکَرامـةِ الزَّوْجِیَّةِ نِحْلَةً. نِحْلَهَ (مهریه) در ازاء آن کرامت و شخصیت و عزت زن است. و سپس توضیح داده است که: وَ فی اِضافَةِ الصَّدَقاتِ اِلَیْهِنَّ لَمْحَـةٌ اُخْری بِـذلِکَ الْاِخْتِصاصُ، فَلَمْ یَقُلْ: صَـدَقاتُکُمْ ... وَ اِنَّما (صَدَقاتُهُنَّ الْخاصَّةُ بِهِنِّ کَحِقٍّ اَصیلٍ فی حِقْلِ الزِّواجِ).(۱) در اینکه صدقات (مهر) به ضمیر هن اضافه شده نه بکم، لطف خاصی دارد، که مهریه در زندگی زناشویی، حق اصلی آنها است نه اینکه منتّی باشد. در اسلام مهریه معرف شخصیت و استقلال زن و به معنی ***** ۱- الفرقان فی تفسیر القرآن و السنته، جلد ۶، صفحه ۲۰۹. (صفحه ۱۵۵) عزت و حرمت زن می‌باشد زیرا که مهریه هدیه است و هدیه و پیشکش را نزد بزرگان یا کسی می‌برند که دل به او سپرده باشند و برای او قدر و مقام و حرمت و عزتی قائل باشند.

۴ مهر باعث کنترل و بقاء خانواده می‌شود

شاید در میان مردها کسانی پیدا شود که هوس باز باشند و پس از آنکه چشم آنها از همسرشان سیر شد و زن نشاط و جوانی و زیبایی خود را از دست داده او را رها کنند و مجددا دنبال زنی دیگر باشند (با توجه به اینکه قدرت در دست مرد است). در نتیجه کانون گرم خانواده از هم پاشیده شده و چه بسا بچه‌هایی بی‌خانمان و محروم از تربیت خانوادگی شوند و ضررهای جبران‌ناپذیری بر پیکر جامعه خصوصا زن وارد شود. (صفحه ۱۵۶) دین که در جهت بقاء و اصلاح جامعه و خانواده تلاش می‌کند باید ابزارهای کنترل کننده‌ای وضع کند تا جامعه و خانواده از هم پاشیده و متزلزل نشوند. یکی از آن ابزارها مهریه می‌باشد تا افرادی که بدون دلایل شرعی و قانونی نظام خانواده خود را بر هم نزنند و جلوی هوس‌های آنها گرفته شود. مهر ترمزی در برابر تمایلات مرد نسبت به جدایی و طلاق محسوب می‌شود در تفسیر نمونه در ذیل آیه ۴ سوره نساء آمده است: درست است که مهر از نظر قوانین اسلام با برقرار شدن پیمان ازدواج به ذمه مرد تعلق می گیرد و زن فورا حق مطالبه آن را دارد، ولی چون معمولاً به صورت بدهی بر ذمه مرد می‌ماند، هم اندوخته‌ای برای آینده زن محسوب می‌شود و هم پشتوانه‌ای برای حفظ حقوق او و از هم نپاشیدن پیمان زناشویی است. (۱) (صفحه ۱۵۷) چنانچه مردی زنی را عقد نمود بعد تصمیم گرفت او را طلاق دهد در صورتی که با او هم بستر نشده باشد باید نصف مهر و اگر هم بستر شده باشد تمام مهر را بپردازد. امام خمینی (ره) می‌فرماید: لَوْ طَلَّقَ قَبْلَ الدُّخُولِ سَقَطَ نِصْفُ الْمَهْرِ الْمُسَمّی وَ بَقِیَ نِصْفُهُ. (۱) اگر مرد همسرش را قبل از هم بستر شدن طلاق دهد نصف مهر معین ساقط می‌شود و نصف دیگر برعهده شوهر است و بر همین مبنا در قانون مدنی آمده ***** ۱- تفسیر نمونه: جلد ۳، صفحه ۲۶۲. ۲- ترجمه تحریرالوسیله، جلد ۳، صفحه ۵۳۴، مسئله ۱۳. (صفحه ۱۵۸) است: (ماده ۱۰۹۲) هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد مستحق نصف مهر خواهد بود.(۱)

۵ مهر موجب تعادل اقتصادی است

داشتن امنیت اقتصادی یکی از اهداف مهم تلاش‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی می‌باشد و در ازدواج هم همین هدف

دنبال می‌شود. زن و شوهر با همفکری و ایجاد فضائی آرام و با تقسیم کارها موجب امنیت و آرامش برای فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند، اما با اینکه زن دارای استقلال مالی می‌باشد ولی در جوامع بشری ابتکار عمل در مسائل اقتصادی و درآمدی بیشتر ***** ۱- نظام خانواده نکاح و انحلال آن، صفحه ۲۵۹. (صفحه ۱۵۹) در دست مردان می‌باشد و در صورت طلاق و جدائی زن بدون پشتوانه اقتصادی می‌مانند، وجود مهریه یک نوع احساس امنیت اقتصادی و پشتوانه‌ای برای زن می‌باشد. به علاوه مردان برای انتخاب همسر مجدد امکانات بیشتری دارند ولی زنان بیوه مخصوصا با گذشت قسمتی از عمر آنها و از دست رفتن سرمایه جوانی و زیبائی، امکان کمتری برای انتخاب همسر جدید دارند با توجه به این جهات روشن می‌شود که امکانات و سرمایه‌ای را که زن با طلاق از دست می‌دهد بیش از امکاناتی است که مرد از دست داده است و در حقیقت مهر چیزی است به عنوان جبران خسارت برای زن و وسیله‌ای برای تأمین زندگی آینده اوست (۱) در ***** ۱- تفسیر نمونه: جلد ۳، صفحه ۲۴۲. (صفحه ۱۶۰) تفسیر انوار العرفان می‌فرماید: مهر یک عطیه الهی است و خداوند به خاطر اینکه زن حقوق بیشتری در اجتماع داشته باشد و ضعف نسبی جسم وی از این طریق جبران گردد، به طور کامل ادا نمایید (۱) لهذا در منابع فقهی و حقوقی مشاهده می‌کنیم که مهریه ملك شخص زوجه است و دیگران حتی والدین او هم حقی در آن ندارند این موضوع را در فصل‌های آینده از نظر فقهی و روایی و قانونی مفصل بحث خواهیم نمود. مهر علاوه بر اینکه باعث تعدیل مقداری از مسائل اقتصادی است موجب تعدیل ***** ۱- انوار العرفان فی تفسیر القرآن: جلد ۸، صفحه ۴۴. (صفحه ۱۶۱) نیروی جسمانی زن و مرد نیز می‌باشد مرد که از نظر جسمانی قوی است و زن ضعیف ولی مهر موجب می‌شود که مرد باوجود احساس قدرت بدنی در مقابل زن تواضع کند بنا به فرمایش شهید مطهری: ضعف زن در مقابل نیرومندی بدنی به همین وسیله تعدیل شده است و همین جهت موجب شده که همواره مرد از زن خواستگاری می‌کرده. (۱)

۶ مهر عطیّه الهی به زن است

با استفاده از کلمه نحله می‌توان استفاده نمود که مهر یک هدیه الهی است به زن می‌باشد زیرا بسیاری از مفسران بهره‌برداری نموده‌اند، که مهر بخششی ***** ۱- نظام حقوق زن در اسلام: شهید مطهری، صفحه ۲۰۰. (صفحه ۱۶۲) است از خداوند به زن که توسط شوهر به زن عطا می‌شود، زیرا نحله را معنی کرده‌اند به بخشش و هدیه اختصاصی. (۱) امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌فرماید: تَمْلِكُ الْمَرْاَةُ الصَّداقَ بِنَفْسِ الْعَقْدِ ... فَلَهَا التَّصَرُّفُ فیهِ بَعْدَ الْعَقْدِ بِاَنْواعِهِ. (۲) زن به محض انعقاد عقد مالک مهریه می‌شود ... و زن می‌تواند پس از عقد در مهر تصرف کند.

۷ مهریه پیمان صداقت است

***** ۱- پرتوی از قرآن: سیدمحمود طالقانی، جلد ۶، صفحه ۱۴. ۲- ترجمه تحریرالوسیله: امام خمینی (ره)، جلد ۳، صفحه ۵۳۴، مسأله ۱۵. (صفحه ۱۶۳) بقاء و دوام هر پیوندی به خصوص زناشویی در گرو صداقت و یک رنگی می‌باشد ازدواج‌هایی که در آن زن با شوهر صداقت ندارند دیر یا زود از هم پاشیده شده و یا به کانونی سرد و بی‌روح که در آن صلح و صفا حاکم نیست تبدیل خواهد شد. پیمان زناشویی اولین اجتماع کوچکی است که علاوه بر اینکه دارای ابعاد متعدد اقتصادی، حقوقی ... است، یک کانون مهم رشد و شکوفایی عاطفه‌ها و تربیت انسانهای با صداقت و مهذب است که اداره جامعه فردا به عهده آنها گذاشته خواهد شد، پس خود این جامعه کوچک یعنی خانواده باید سرشار از صداقت باشد به همین جهت از

مهر در قرآن شریف به صداق تعبیر شده است، همانطوری که در تعریف مهر گذشت مرد با دادن مهر یک زندگی خالصانه و (صفحه ۱۶۴) صادقانه بدون غل و غش را اعلام می‌نماید. در مورد صدق گفته شده است: وَالصِّدْقُ مُطابَقَةُ الْقَوْلِ الضَّميرَ وَ الْمُخْبَرَ عَنْهُ مَعا (۱) صدق مطابقت و هماهنگی بین قول و چیزی است که از آن خبر داده می‌شود. و باز گفته شده: وَ الصَّداقَةُ صِدْقُ الْإِعْتِقادِ فِی الْمَوَدَّةِ (۲) صداقت عبارت است از صدق اعتقاد در دوستی. ازدواجی که با صداقت شروع شود می‌تواند یکی از مصادیق این آیه شریفه ***** ۱- المفردات فق غریب القرآن ماده صدق. ۲- المفردات فق غریب القرآن ماده صدق. (صفحه ۱۶۵) باشد: یـآ اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

۸ مهریه تضمین مادی امنیت تربیت است

سؤالی که به ذهن انسان کنجکاو می‌رسد این است که چرا زن به شوهر خود مهریه نمی‌دهد و چرا مهر بر مرد لازم است نه بر زن؟ با اینکه هر دو در زندگی و لذات زناشویی شریک می‌باشند؟ جواب روشن است: زیرا در فلسفه مهر اهداف بسیار عالی انسانی و تربیتی وجود دارد که نمی‌توان آن را همانند سایر مسائل طرفینی زناشویی و حقوقی ***** ۱- ۱۱۹/توبه،ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد ۸، صفحه ۱۷۸، تاریخ چاپ ۳۰ شعبان ۱۳۹۹. (صفحه ۱۶۶) شمرد و مقایسه نمود که اگر مرد به زن خود مهری می‌دهد پس زن هم به شوهر خود مهر بپردازد. علاوه بر دلایلی که در فلسفه مهر تاکنون ذکر شد یکی دیگر از مصادیق فلسفه مهر تضمین و تأمین امنیت مادی تربیت فرزند و مساعد نمودن محیط خانه برای پرورش فرزند است. هریک از احکام تشریعی الهی براساس حکمتی وضع شده است که باید رابطه بین حکم و موضوع را سنجید. لزوم پرداخت نفقه و مهر از طرف مرد به زن در واقع بستگی به اهداف عالیه تشکیل خانواده دارد که در رأس اهداف مقدس خانواده ایجاد محیط امن و تربیت فرزند می‌باشد که این رسالت در خانواده بزرگ جامعه برعهده پیامبران علیه‌السلام و (صفحه ۱۶۷) در خانواده کوچک زناشوئی به صورت طبیعی برعهده زن گذاشته شده است و انجام این رسالت بزرگ تنها با مهر و محبت مادری بدون پشتوانه مادی ممکن نیست زیرا مربی این مکتب باید از لحاظ مادی (لباس، مسکن، امرار معاش و ...) تأمین باشد که به صورت نفقه تضمین شده است؛ حتی از یک پس‌انداز مالی (مهریه) بهره‌مند باشد که این امر نیز تضمین گردیده و برعهده شوهر گذاشته شده است. مقام تربیتی زن (مادر) آن‌قدر باارزش است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بهشت زیر پای مادران است. (البته نه هر مادری بلکه مادری که به وظیفه مادری خود عمل کند) چون تربیت عالی‌ترین هدف خلقت است. در این راستا روایتی در علل الشرایع از محمدبن سنان نقل شده که امام رضا علیه‌السلام در مورد (صفحه ۱۶۸) علت وجوب مهر بر مردها و عدم وجوب آن از طرف زن‌ها فرمودند: چون مؤنه زن بر مرد واجب است زیرا زن با مرد یک قرارداد و معامله نموده و مرد مشتری می‌باشد پس باید مهریه را بپردازد. (۱)

تعیین مهر با رضایت زوجین

تعیین مهر در عقد دائم برخلاف عقد موقت از ارکان نمی‌باشد ولی اگر زوجین بخواهند مهر تعیین نمایند نوع و مقدار آن باید روشن شود که در این فصل به دنبال روشن شدن این موضوع هستیم. از قول امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که آن بزرگوار فرموده: ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۳. (صفحه ۱۶۹) اَلصَّداقُ کُلُّ شَیْءٍ تَراضی عَلَیْهِ النّاسُ (۱) هر

شیء که مردم به آن رضایت داشته باشند می‌تواند مهر باشد. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: هر آنچه مورد رضایت طرفین قرار گیرد می‌توانـد مهر قرار گیرد چه کم باشـد و چه زیاد. (۲) از این روایت فهمیـده می‌شود که ملاک تعیین مقـدار مهر رضایت زوجین است.

مقدار مهریه

مقدار مهریه

یکی از نکـاتی کـه بایـد در مسائـل حقـوقی خـانواده و ازدواج مطرح و روشن گردد مقـدار مهریه از نظر شـرع مقـدس اسـلام می‌باشد تا هم اهداف و فلسفه ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲. ۲- تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۴۰۹. (صفحه ۱۷۰) وجودی مهریه تـأمین گردد و هم بـاعث تحکیم خـانواده و رفع نزاع و اختلاف شود. سؤالی که مطرح است این است که آیـا برای مهر محـدودیتی مشـخص وجود دارد یـا خیر؟ و آیا بیشتر از مهر السنۀ جایز است یا خیر؟ در این مورد نظراتی وجود دارد ولی قبل از طرح نظرات فقها، طبق مباحث گذشته می‌توان اظهار نظر نمود که محدودیتی نباید در مقدار مهر وجود داشته باشد؛ چون با رضایت زوجین وقتی مهر مشـخص شده باشد دیگر از لحاظ کمیت چه اشـکالی خواهد داشت؟ به طور کلی در میان فقها، دو نظر وجود دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱ قائلین به محدودیت مهر

عـده‌ای از فقهـا بـه پیروی از سـنت رسـول اکرم صـلی الله علیـه و آلـه قرار دادن مهر بیش از (صـفحه ۱۷۱) مهر السـنۀ را جایز نمی‌دانند و در این مورد ادعای اجماع هم نموده‌اند که از مشهورترین آنها مرحوم اسکافی و صدوق و سید مرتضی می‌باشند و فرموده‌اند مازاد بر مهر السـنۀ باید برگردانده شود. (۱) و سـید مرتضـی علاوه بر منع از زیادی مهر السـنۀ و حکم به ردّ مازاد بر آن اسـتدلال به اجماع نموده است.(۲) همین حکم بـدون ادعـای اجماع از الفقیه نقل شـده است. (۳) مهر السـنه پانصد درهم معـادل پنجاه دینار می‌باشـد که رسول اکرم صـلی الله علیه و آله مهر ***** ۱- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۵. ۲- شرع لمعه، جلد ۲، صفحه ۹۸، کتاب النکاح. ۳- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۵. (صفحه ۱۷۲) تمامی همسران خود را به همین مقـدار قرار داد و این به عنوان سـنت آن حضـرت مطرح می‌باشـد و سـید مرتضـی و دیگران که معتقد هسـتند مهر نباید از مهر السـنه بیشتر باشـد به تبعیت از سـنت رسول اللّه صـلی الله علیه و آله فتوای داده‌انـد و در روایات متعددی مهر السـنه مطرح شده است؛ از جمله روایت عبداللّه بن سنان که از قول امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که: «مهریه زن‌ها در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله برابر با پانصد درهم بوده است» (۱) و روایت مفضل که از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کند «خبر بده به من از مقـدار مهر زن که (لاـ یَجُوزُ لِلْمُؤْمِنِ اَنْ یَجُوزُهُ) جـایز نیست مؤمن از آن تجـاوز کنـد؟ امام علیه‌السـلام فرمودنـد: (اَلسُّنَّةُ الْمُحَمَّدِیَّةُ) ***** ۱- وسائل الشـیعه، جلد ۱۵، کتاب النکاح، صـفحه ۸. (صفحه ۱۷۳) سـنت حضرت محمد صلی الله علیه و آله که پانصـد درهم می‌باشد و مازاد بر آن باید برگردانده شود». (۱) حدیث فوق مطابق با نظر سید مرتضی و همفکران او در عـدم تجاوز مهر از مهر السـنۀ است. شـیخ صدوق (علیه الرحمه) علت اینکه چرا مهر السـنه پانصد درهم است از قول حسـین‌بن خالـد نقل کرده: «حسـین بن خالـد (۲) می‌گویـد از امـام کـاظم علیه‌السـلام سـؤال کردم چگونه مهر السـنه ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، کتاب النکاح، صـفحه ۱۷. ۲- در تهـذیب الاحکام، جلد ۷، پاورقی صفحه ۴۱۲ آمـده است، حسن بن خالد

صحیح است نه حسین بن خالد، حسن بن خالد، کان ثقهٔ له کتاب النّوادر، یروی عن الکاظم علیه‌السلام. (صفحه ۱۷۴) پانصد درهم شده؟ امام علیه‌السلام فرمود: خداوند بر خود لازم نمود که اگر مؤمنی صد مرتبه تکبیر و صد مرتبه حمد و صد مرتبه تسبیح خدا و صد مرتبه لا اله الا الله (تهلیل) بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد و پس از آن بگوید خداوندا از حوریه بهشتی به ازدواج من در بیاور خداوند (دعایش را مستجاب نموده و) حوریه بهشتی را به ازدواج او درمی‌آورد و خداوند مهر آن حوریه را همین اذکار قرار داده است به همین جهت خداوند به پیامبرش وحی نمود که سنت قرار بدهد مهر زنان مؤمن را پانصد درهم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را انجام داد».(۱) (صفحه ۱۷۵) نقد نظریه قائلین به محدودیت مهریه مستند قائلین به محدودیت مهر از چند حال خارج نیست یا باید آیات باشد که از کلمه «قنطار» در آیات خلاف آن فهمیده می‌شود (همان‌طوری که توضیح آن خواهد آمد)، یا باید روایات باشد که اولاً از روایات الزام و وجوب در محدودیت مهریه به پانصد درهم استفاده نمی‌شود، ثانیا روایاتی داریم که خلاف آن را ثابت می‌کنند و حتی قید عدم محدودیت شده مثل روایتی که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: عَنِ الصَّداقِ هَلْ لَهُ وَقْتٌ (اَیْ هَلْ لَهُ حَدٌّ لا یُتَجاوَزُ عَنْهُ)؟ قال: لا (۱) سؤال شد از ***** ۱- علل الشرایع، صفحه ۴۹۹. ۲- تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۴۱۲. (صفحه ۱۷۶) امام صادق علیه‌السلام از مهریه که آیا برای آن حدی وجود دارد؟ فرمود خیر ثالثا همان‌طوری که در بحث بعدی خواهد آمد روایات حمل بر استحباب مهر السنه شده است، اگر مستند قائلین به محدودیت مهریه اجماع هست همچنانکه از سید مرتضی (ره) نقل شده ملاک این اجماع مشخص نیست زیرا بسیاری از علماء خلاف این عقیده را دارند و شهید ثانی در مورد ادعای اجماع سید مرتضی فرموده: وَ الْاِجْماعُ مَمْنُوعٌ وَ جَمیعُ التَّفْسیراتُ السّابِقَهُٔ لِلْقِنْطارِ تَرِدُ عَلَیْهِ وَ الْخَبَرُ الصَّحیحُ حُجَّهٌٔ بَیِّنَهُ، نَعَمْ یُسْتَحَبُّ الْاِقْتِصارُ عَلَیْهِ لِذلِکَ.(۱) (صفحه ۱۷۷) ادعای اجماع ممنوع است و جمیع تفسیرهای که (ذیل) عبارت قنطار شده ردّ این نظریه را می‌نماید و خبر صحیح هم دلیل روشنی است بر ردّ این اجماع بلکه اکتفاء بر مهر السنه مستحب است. از طرفی دیگر قائلین به این نظریه یعنی محدودیت مهر، تعداد محدودی هستند بنابراین روشن نیست استناد این بزرگواران آن هم کسانی مثل سید مرتضی (ره) در اعتقاد به محدودیت مهر به مهر السنهٔ چه بوده است. غیر از روایاتی که قبلاً نقل شد و آنها هم دلالت بر وجوب ندارند و حداکثر می‌توان آنها را حمل بر کراهت نمود، به خصوص اینکه اگر حمل بر ***** ۱- شرح لمعه، جلد ۲، کتاب النکاح، صفحه ۹۸. (صفحه ۱۷۸) وجوب شود با روایاتی که دلالت بر عدم وجوب دارند معارض خواهند بود و محدودیت در مهر را ردّ کرده‌اند.

۲ عدم محدودیت در مهر

عدم محدودیت در مهر

آنچه از آیات و روایات و نظرات اکثر فقها عظام استفاده می‌شود عدم محدودیت در مهریه در حداقل و در حداکثر است به شرط اینکه از مالکیت (مثل خمر) و مالیت (مثل یک حبه گندم) خارج نشود و مورد رضایت و قبول زوجین باشد اینک ادلّه سه‌گانه در این مورد به اختصار بررسی می‌شود. الف: عدم محدودیت مهر در آیات «وَ اِنْ اَرَدْتُمُ اسْتِبْدالَ زَوْجٍ مَکانَ زَوْجٍ وَ اتَیْتُمْ اِحْدیهُنَّ قِنْطارا فَلا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئا». (۱) (صفحه ۱۷۹) اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را نگیرید. معانی مختلفی از قنطار شده ولی همه آنها از مهر السنه بیشتر است. راغب در مفرداتش فرموده: «وَ الْقَناطیرُ جَمْعُ الْقَنْطَرَهِٔ وَ الْقَنْطَرَهُٔ مِنَ الْمالِ مافیهِ عُبُورُ الْحَیاهِٔ تَشْبیها بِالْقَنْطَرَهِٔ وَ

ذلِكَ غَيْرُ مَحْدُودِ الْقَدْرِ فى نَفْسِه، ... و قال الحسن اَلْفٌ و مِائَتا دينارٍ، وَ قيلَ مِلْءُ مُسْكِ ثَوْرٍ ذَهَبا» (۱) ***** ۱- ۲۰/نساء، ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد۳، صفحه ۳۲۱، تاریخ انتشار، اردیبهشت ۱۳۵۴. ۲- المفردات فی غریب القرآن، ماده: قنطره. (صفحه ۱۸۰) قناطیر جمع قنطره (به معنی پل) است مال قنطره یعنی مالی که زندگی را راه می‌اندازد همان‌طور که از پل عبور می‌کنند (یعنی مالی کافی) و اندازه آن فی حد نفسه محدود نیست .... و بیشتر مفسرین قنطار را مال زیاد گرفته‌اند. (۱) قنطار، به کسر قاف، به معنای مال عظیم است و در قاموس، قنطار را معادل ده‌ها هزار دینار طلا دانسته است و در المنجد آن را عبارت از وزنی دانسته که مقدار ثابتی ندارد و به تحول ایام متغیر می‌شود و به ۱۰۰ رطل که هر رطل خود ***** ۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، صفحه ۴. (صفحه ۱۸۱) ۲۵۶۴ گرم است نیز اطلاق می گردد.(۱) از منابع مختلف اهل سنت نقل شده که، روزی عمربن الخطاب بالای منبر گفت: چرا مهر زنان خود را زیاد می‌کنید و حال‌آنکه مهر در میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش چهارصد درهم بوده، زنی اعتراض کرد به عمر گفت: آیا مردم را نهی می کنی که بیشتر از چهارصد درهم مهر زنان را قرار ندهند؟ عمر گفت: بله، آن زن گفت: آیا نشنیدی که چه چیزی در قرآن آمده؟ عمر گفت: چیست آن؟ زن گفت: وَ آتَیْتُمْ إِحْداهُنَّ قِنْطاراً عمر گفت: خدایا ببخش مرا که همه مردم داناتر از عمرند، سپس به منبر رفت اعلام کرد هر مقداری که مایل هستید ***** ۱- بررسی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، صفحه ۲۲۶. (صفحه ۱۸۲) مهریه قرار دهید». (۱) پس روشن می‌شود که از دیدگاه قرآن، محدودیتی برای تعیین مهریه وجود ندارد حتی عرف زمان صدر اسلام هم همین موضوع را از آیات استنباط می‌نمودند. ب: عدم محدودیت مهر در روایات: از مجموع روایاتی که محدثین بزرگوار در کتب روایی از معصومین علیهم‌السلام نقل کرده‌اند محدودیت فهمیده نمی‌شود به خصوص اگر بخواهیم وجوب ***** ۱- الغدیر، جلد ۶، صفحه ۹۵. (صفحه ۱۸۳) مهر السنه را اثبات کنیم بلکه در اکثر روایات عدم محدودیت استفاده می‌شود. و عبارت (اَلصَّداقُ ما تَراضَیا عَلَیْهِ، قَلَّ اَوْ کَثُرَ) مهر چیزی است که با رضایت بر آن توافق شود کم باشد یا زیاد. دلالت گویا و روشنی دارد که هر مقدار طرفین بر آن رضایت دادند چه کم باشد یا زیاد. دلالت گویا و روشنی دارد که هر مقدار طرفین بر آن رضایت دادند چه کم باشد یا زیاد بدون هیچ محدودیتی می‌توان مهر قرار داد. روایات به این مضمون فراوانند، از جمله روایتی که از امام رضا علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «اگر مردی با زنی ازدواج نمود و مهرش را بیست هزار و برای پدرش ده هزار قرار داد مهر درست است و آن مقدار که برای پدرش قرار داده فاسد است».(۱) در این روایت ملاحظه می‌شود که مهریه ۲۰ هزار چندین برابر ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۹. (صفحه ۱۸۴) مهر السنه است اگر ۲۰ هزار درهم باشد و مهر السنه پانصد درهم رد این صورت چهل برابر مهر السنه است و اگر منظور این روایت ۲۰ هزار دینار باشد و مهر السنه ۵۰ دینار در این صورت چهارصد برابر مهر السنه خواهد بود. اگر قرار دادن مهر بیش از مهر السنه جایز نیست پس نباید امام معصوم علیه‌السلام برخلاف آن عمل کند، در حالی که در روایتی نقل شده امام حسن علیه‌السلام زنی را تزویج نمود و مهر او صد کنیز و همراه هریک ده درهم قرار داد (۱) ملاحظه می‌شود غیر از قیمت کنیزها مهر دو برابر مهر السنه می‌باشد و حتی در صحیح ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۹. (صفحه ۱۸۵) مسلم آمده است: «ام حبیبه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله مهرش چهار هزار درهم و چهار صد دینار بود که نجاشی آن را از مال خودش جهت احترام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخت نمود».(۱) روشن است که اگر تجاوز از مهر السنه مجاز نیست نباید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه دهد که مهر ام‌حبیبه همسرش بیش از مهر السّنّه باشد، این خود دلیل دیگری است که اولاً تمام همسران آن حضرت مهریه پانصد درهم نداشته‌اند و ثانیا مهریه بیش از مهر السنه از نگاه روایات جایز است و هیچ منفعی ندارد؛ مضافا اینکه وقتی از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌شود آیا برای مهریّه حدی وجود ***** ۱- صحیح مسلم، جلد ۹،

صفحه ۲۱۵. (صفحه ۱۸۶) دارد؟ امام علیه‌السلام می‌فرماید خیر. (۱) ج: نظر فقهاء در عدم محدود بودن مهر: گرچه عده‌ای از فقهاء مثل سید مرتضی و اسکافی و صدوق، قائل به محدود بودن مهر به مهر السنه می‌باشند که نظر آنها قبلاً مورد بررسی قرار گرفت اما اکثر فقها قائل به عدم محدودیت مهر هستند فقها بزرگوار در تعیین مهر دو چیز را قید نموده‌اند یکی رضایت طرفین دیگر اینکه در قلت به قدری ناچیز نباشد که از مالیت خارج شود با توجه به این دو قید محدودیتی در جهت کمی یا زیادی مهر ***** ۱- تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۴۱۲. (صفحه ۱۸۷) وجود ندارد من جمله مرحوم محقق حلی (ره) می‌فرماید: «برای مهر اندازه معینی نیست بلکه آنچه زوجین به آن راضی شوند صحیح است اگرچه کم باشد به شرط اینکه از قیمت مثل یک دانه گندم خارج نشود و همچنین محدودیتی در جهت زیادی وجود ندارد».(۱) این نظر مورد تأیید بسیاری از فقها از جمله امام خمینی(ره)(۲) و شهیدین (ره)(۳) و صاحب جواهر (ره)(۴) و شیخ طوسی (ره)(۵) و ... می‌باشد. مرحوم صاحب جواهر (ره) در شرح عبارت شرایع (وَ كَذا لاَحَدَّ لَهُ فِي الْكَثْرَةِ) ***** ۱- شرایع الاسلام، جلد ۲، صفحه ۵۴۵. ۲- تحریرالوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۷. ۳- شرح لمعه، جلد ۲، کتاب النکاح، صفحه ۹۷. ۴- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۳. ۵- کتاب الخلاف، جلد ۲، مسأله ۳۴. (صفحه ۱۸۸) ادعای شهرت در حد اجماع نموده و فرموده: «محدودیتی در مهر نمی‌باشد بنابر مشهور بین اصحاب، آن هم یک شهرت عظیمی در حدی که می‌توان ادعای اجماع نمود».(۱) مرحوم بَرّاج در المهذّب علاوه بر ردّ محدودیت مهر فرموده: هرگاه انسان در عقد نکاح مهر را بیش از مهر السنه قرار دهد لازم است به آن وفا کند. و همین بزرگوار فرموده: (هُوَ عِنْدَنا غَيْرُ مُقَدَّرٍ) مهر در نزد ما مقدار معینی ندارد. (۲) ***** ۱- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۳. ۲- سلسلة الینابیع الفقهیه، جلد اول، جزء اول از نکاح، صفحه ۱۶۶. (صفحه ۱۸۹) فقها برای رضایت زوجین در تعیین مقدار مهر تا جائی اهمیت داده‌اند که اگر چنانچه زوجین بر مهری توافق کردند اولیای آنها نمی‌توانند اعتراض کنند. (۱)

کم بودن مهر مستحب است و زیادی آن مکروه

با وجود اینکه شرعا و قانوناً محدودیتی در تعیین مهر وجود ندارد اما با توجه به فلسفه ازدواج، سنگینی مهر کراهت دارد به خصوص زمانی که مهر موجب به تعویق افتادن ازدواج گردد و جنبه تشریفات و چشم و هم‌چشمی به خود بگیرد و بهانه‌ای برای نسل جوان گردد. مادامی که از مشکلات اقتصادی رنج می‌برد و با عنایت به اینکه مهر دینی است به عهده شوهر و عندالمطالبه باید بپردازد، کمی آن مورد سفارش و استحباب است. ***** ۱- کتاب الخلاف کتاب النکاح، جلد ۲، مسأله ۲۴. (صفحه ۱۹۰) برخلاف آنچه که تصور می‌شود، مهر سنگین ضمانتی برای تداوم و بقاء زندگی زناشویی نیست و گاهی زیادی مهر باعث بسیاری از مشکلات و از هم پاشیدگی خانواده و موجبات عذاب زن می‌گردد. و شوهر که توان پرداخت آن را ندارد جهت رهایی از این دین سنگین و نپرداختن آن دنبال بهانه‌جویی و رفتارهای ناهنجار می‌رود؛ در نتیجه زن یا باید از مهر خود چشم پوشی کند یا وضع رقت‌بار و نامطلوب موجود را تحمل کند؛ ولی اگر مهر کم باشد عموما زن دچار این مشکلات نمی‌گردد. در نظام خانواده اگر مهر و محبت و علاقه حاکم نباشد مَهر زیاد نمی‌تواند (صفحه ۱۹۱) تضمین کننده بقا و خوشبختی خانواده باشد در پاره‌ای اوقات زیادی مهر جز رنج و فشار روحی چیز دیگری برای زن ندارد. چه بسا سخت‌گیری و سنگینی مهر اثرات نامطلوب روانی دارد و برای استمرار در روابط خانوادگی عکس‌العمل‌های سوئی در برداشته باشد و گاهی هم موجب انتقام گردد. به همین خاطر در منابع دینی هیچ گونه توصیه‌ای بر زیادی مهر نشده بلکه برعکس بر

کمی آن تأکید و سفارش شده است. و چه بسا زیادی مهر نهی شده است. عن علی علیه‌السلام قال: لا تَغالُوا بِمُهُورِ النِّساءِ فَیَکُونَ عِداوَةً (۱) حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مهر زنان را بالا نبرید که موجب عداوت *****۱- بحارالانوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۳۵۱. (صفحه ۱۹۲) می‌شود». ملاحظه می‌شود که از دید حضرت علی علیه‌السلام زیادی مهر موجب دشمنی می‌گردد. و حال آنکه به فرموده قرآن مهر باید نحله باشد یعنی موجب شیرینی زندگی گردد. رُوِیَ: اَنَّ مِنْ بَرَکَةِ الْمَرْأَةِ قِلَّةُ مَهْرِها، وَ مِنْ شُؤْمِها کَثْرَةُ مَهْرِها (۱) روایت شده است که: «کمی مهر زن برکت و زیادی مهر شوم است» امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «نزد پدرم از شوم بودن بحث بود که پدرم فرمود شوم بودن در سه چیز است ... اما شوم بودن زن در زیادی مهر او است». (۲) *****۱- من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، صفحه ۲۵۳. ۲- وسایل الشیعه، جلد ۱۵ کتاب النکاح، باب ۵ از ابواب المهور، صفحه ۹. (صفحه ۱۹۳) روشن است که خود انسانها شوم نمی‌باشند بلکه اعمال و رفتار آنها موجب نحسی و گرفتاری خواهد شد؛ اگر مهر متعادل باشد بهتر می‌شود مشکلات را حل نمود برخلاف زمانی که مهریه زیاد و بیشتر از توان مالی شوهر باشد که در این صورت در منازعات زناشویی مشکلات زیادی وجود خواهد داشت؛ از طرفی زن در رسیدن به حق خود یعنی مهریه اصرار دارد و از طرفی شوهر که توان پرداخت را ندارد سرباز می‌زند و دامنه نزاع بالا خواهد گرفت و نه تنها زوجین بلکه خانواده‌های مرتبط نیز دچار مشکل و ناراحتی خواهند شد که این گرفتاری شوم و بدبختی از پیامدهای زیادی مهر است، که موارد و مصادیق آن را در جامعه شاهد هستیم. (صفحه ۱۹۴) معنی دیگر شوم بودن مهریه زیاد این خواهد بود که وقتی جوانی توان پرداخت مهریه زیاد را ندارد از ازدواج منصرف خواهد شد، در نتیجه تجرد گرایی که متأسفانه از بلاهای عصر ماست رواج پیدا خواهد کرد و خدای نکرده دامنه فساد در جامعه رو به افزایش خواهد گذاشت و آن عصمت لازم از بین خواهد رفت و به همین جهت نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بهترین زنان امت من زیباترین و کم مهرترین آنها هستند».(۱) با اینکه برای مهریه حد معینی تعیین نشده اما برای استحکام و بقای خانواده ملاک تعیین مقدار مهر رضایت است و آن هم تأکید بر کم بودن مهر شده است تا *****۱- وسایل الشیعه، جلد ۱۵ کتاب النکاح، باب ۵ از ابواب المهور، صفحه ۹. (صفحه ۱۹۵) جائی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی هشدار داده که مهریه سنگین نباشد: «قسم به حق آن کسی که مرا مبعوث به نبوت و رسالت نمود هر زنی که مهریه را بر شوهر سنگین بگیرد خداوند زنجیرهای آتش جهنم را بر او سنگین خواهد گرفت.(۱) و بر همین اساس می‌توان بین این دسته از روایات و روایاتی که قبلاً در عدم محدودیت مَهر بیان شد. جمع به استحباب کم بودن مهر و مکروه بودن زیادی آن نمود همان‌طوری که فقهای عظام هم بر همین مبنا فتوای به استحباب محدودیت مهر به مهر السنه و فتوای بر کراهت زیادی آن را داده‌اند. در این رابطه مرحوم *****۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، باب ۵ از ابواب المهور، صفحه ۶۸. (صفحه ۱۹۶) حلی فرموده: مستحب است کمی مهر و مکروه است اینکه مهر از مهر السنه که پانصد درهم است تجاوز کند. (۱) فقهای بزرگوار دیگر مثل حضرت امام خمینی(۲) و شهیدین (۳) و صاحب مقنع (ره) (۴) بر همین مطلب (استحباب کم بودن و مکروه بودن زیادی آن از مهر السنه) فتوای داده‌اند و مرحوم صاحب جواهر هم ادعای عدم خلاف در استحباب کم بودن مهر نموده است. (۵) *****۱- شرایع الاسلام، کتاب النکاح، جلد ۲، صفحه ۵۴۷. ۲- تحریرالوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۷. ۳- شرح لمعه، جلد ۲، صفحه ۹۸. ۴- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۶. (صفحه ۱۹۷) شاید بتوان از مجموع نظرات فقها و روایات، این استحباب را استحباب تأکیدی شمرد. در ماوراء الفقه پس از اشاره به احادیثی که در مورد کم بودن مهر بیان کرده است و اینکه این روایات معتبر السند هستند فرموده: «سیاق این روایات گرچه خبری است، اما ظاهر آنها واضح است نسبت به اینکه مراد از تشریع و انشاء (این روایات) به معنی نهی از زیادی مهر و امر به کمی آن می‌باشد، ولی اگر توجه به علت و حکمت آن بنمائیم این است که

اگر اطاعت نمودیم آن حکمت که برکت است حاصل می‌شود و اگر مخالفت کردیم ***** ۱- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۱۶. (صفحه ۱۹۸) (یعنی مهر زیاد گردد) موجب نحوست می‌شود. این حکم استحبابی است که فقیه آن را حمل بر وجوب نمی‌کند».(۱)

مهر متاع باشد یا نقدینگی (پول)

باعنایت به ملاک بودن رضایت زوجین در تعیین نوع و جنس مهریه (همان‌طوری که گذشت) تفاوتی در اینکه مهر متاع یا نقدینگی (پول) باشد نخواهد بود. اما با نظر به مطالبی که ذیلاً بیان خواهد شد، تعیین متاع و جنس اولویت ***** ۱- ماوراء الفقه، السید محمد الصدر، جلد ۶، صفحه ۱۳۲. (صفحه ۱۹۹) خواهد داشت زیرا: الف: یکی از اهداف و فلسفه مهر تعادل اقتصادی بین زن و شوهر است. بنابراین باید شیئی موضوع مهر قرار گیرد که به مرور زمان از ارزش آن کاسته نشود، از طرفی پول خاصیتی جز واسطه مبادله واقع شدن را ندارد و خود، دارای ارزش واقعی نمی‌باشد، بلکه وسیله‌ای است قراردادی جهت سرعت انتقال کالا و مبادلات دارای ارزش و بنا به فرموده شهید مطهری: «خاصیت اصلی و واقعی پول این است که در جریان باشد، پول کاری جز واسطه مبادلات بودن نمی‌تواند انجام دهد، برخلاف کالا که می‌تواند به اصطلاح فقهی منافع یا نمائاتی داشته باشد و یا بر روی آن کار جدیدی صورت گیرد».(۱) ***** ۱- ربا بانک بیمه: شهید مطهری، صفحه ۱۳، مقدمه. (صفحه ۲۰۰) بسیار روشن است اگر در چندین سال قبل مهریه هزار تومان از ارزش و قدرت بالایی برای خرید و تهیه کالا برخوردار بوده است ولی همان هزار تومان امروز بسیار ناچیز است و ارزش آن روز خود را از دست داده است، گرچه با رضایت طرفین بوده است اما نسبت به زن یک نوع اجحاف است. با عنایت با اینکه قبلاً در فلسفه مهر بحث نمودیم که یکی از اهداف تشریع مهر پشتوانه مالی زن بوده است. اگر زن به هر عللی متقاضی مهر خود باشد و مهر هم نقدینگی (پول) باشد، اگر زمان پرداخت مهر با زمان عقد تفاوت داشته باشد با توجه به اینکه ارزش نقدینگی پول همیشه ثابت نمی‌باشد آیا باید همان مبلغ زمان عقد را پرداخت یا باید ارزش مادی را به روز مقایسه و پرداخت نمود؟ (صفحه ۲۰۱) مسلم است که هدف از پول، خود آن نیست بلکه تعیین مبلغ به تناسب قدرت خرید و ارزش آن بوده است و پول اعتبار است نه حقیقی، اعتبار آن هم بستگی دارد به مقدار متاع موردنیاز که می‌توان تهیه نمود. اگر ارزش پول در هنگام عقد به ارزش هنگام پرداخت نباشد زن هرگز قبول نمی‌کرد. هنگام طرح اصلاح قانون طلاق در مجلس شورای اسلامی یکی از نمایندگان در نُطق خود گفت: «اسلام بالاتر از این حرفهاست حتی مهریه‌ای که سابقا برای یک زن مثلاً هزار تومان، هزار و پانصد تومان می‌دادیم در این مسأله فقها تصریح کرده‌اند که باید ارزش مالی آن زمان را در نظر گرفت مثلاً با هزار تومان می‌شد یک خانه خرید اما حالا هزار تومان مزد یک عمله در روز است حتی در پرداخت مهریه باید (صفحه ۲۰۲) به ارزش روز رجوع کنیم ... بعضی از فقهای فعلی در رساله‌هایشان این را تصریح کرده‌اند».(۱) ب: از مجموع روایات و نظرات فقها استنباط می‌شود که متاع بودن مهریه بیشتر موردنظر است چون در روایات جنس بیشتر آمده تا درهم و دینار (۲) مثلاً در روایات، منزل (۳) زمین (۴) باغ (۵) آموزش (۶) خادم (۷) به عنوان مهر اشاره ***** ۱- مذاکرات مجلس جلسه ۴۰۳ سال ۱۳۷۰ (۳/۷/۷۰) (فیش ۶۰۹۳۲) کتابخانه مجلس. ۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۵ (ابواب المهور)، باب ۴، حدیث ۳، باب ۵، حدیث ۲ و ۴. ۳- وسائل الشیعه، جلد ۱۵ (ابواب المهور)، باب ۴، حدیث ۳، باب ۵، حدیث ۲ و ۴. ۴- فقه اسلامی و ادلته (الاحوال الشخصیه)، جلد ۷، تألیف الدکتور و هبهٔ الزّحیلی، صفحه۲۵۸. ۵- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، ابواب المهور، باب ۳۰، حدیث ۱. (صفحه ۲۰۳) شده است و در بعضی از

روایـات از درهم و دینار به عنوان قیمت متاع و جنس موردنظر، اشاره گردیـده است (۱) در نظری اِشـراف گونه بر فتوای فقها هم این مطلب مشاهـده می‌شود. مثلاً در المراسم العلویّه می‌فرماید: مهر بر دو قسم می‌باشد: طلا و نقره و هر آنچه برایش قیمتی باشد و هیچ شبه‌ای نیست در اینکه طلا و نقره مهر قرار گیرد. (۲) همچنین می‌توان اولویت داشتن متاع و جنس به عنوان مهر بر پول از نظر شـیخ مفید در المقنعه را فهمید که ***** ۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵ (ابواب المهور)، باب ۱۵، حدیث ۱. ۲- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵ (ابواب المهور)، باب ۱۵، حدیث ۱. ۳- تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۴۱۲، حدیث ۱۱ از باب ۱۰ ابواب المهور. ۴- سلسلهٔ الینابیع الفقهیه، جلد اول، جزء اول از نکاح، صفحه ۱۳۴. (صفحه ۲۰۴) فرموده: مهر هر آن چیزی است کـه برایش قیمـتی باشـد از طلاـ و نقره و متـاع و زمین (۱) و همچنیـن از نظرات امـام خمینی (ره) (۲) و صاحب شـرایع الاسلام (مرحوم محقق حلّی) (۳) و صاحب جواهر الکلام (۴) قرار گرفتن متاع به عنوان مهر بیشتر اسـتفاده می‌شود تا پول. در تأییـد این نظریه که قراردادن متـاع و جنس به عنوان مهر اولویت دارد برقرار دادن پول به عنوان مهر، نظر مفسـرین در ذیل آیه شریفه ۲۳۶ بقره ***** ۱- سلسـلهٔ الینابیع الفقهیه، جلد اول، جزء اول از نکاح، صفحه ۱۳۴. ۲- تحریرالوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۷. ۳- شـرایع اسـلام فی مسائل الحلال و الحرام جلد ۱ ۲ صفحه ۵۴۵. ۴- جواهر الکلام فی شـرح شـرایع الاسلام، جلد ۳۱، صفحه ۳. (صفحه ۲۰۵) می‌باشـد که در توضیـح جمله (و مَتِّعُوهُنَّ) فرموده‌اند: «نکته جالب دیگری که از آیه اسـتفاده می‌شود این است که: قرآن از هـدیه‌ای (مهری) که مرد بایـد به زن بپردازد، تعبیر به متـاع کرده است و متـاع در لغت به معنی چیزهایی است که انسـان از آنهـا بهره‌منـد و متمتـع می‌شود و غالبـا به غیر پول و وجه نقـد اطلاـق می‌گردد، زیرا به طور مسـتقیم از پول نمی‌توان اسـتفاده کرد بلکه باید به متاع تبدیل شود. (۱) ***** ۱- لاـ جُناحَ عَلَیْکُمْ اِنْ طَلَّقْتُمُ النِّساءَ ما لَمْ تَمَسُّوهُنَّ اَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَریضَـهً وَ مَتِّعُوهُنَّ اگر زنـان را قبـل از آمیزش جنسـی و تعیین مهر (به عللی) طلاـق دهیـد گناهی بر شـما نیست (و در این موقع) آنها را (با هـدیه‌ای مناسب) بهره‌منـد سازید. ترجمه از کتاب تفسـیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۱۴۰، چاپ دوم بهمن ۱۳۵۳. (صفحه ۲۰۶) با یک دید کلی در منابع روایی و فقهی و تفسیری مربوط به مهر می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادن متاع و جنس به عنوان مهر بیشتر مورد توجه است تـا پول و نقـدینگی؛ پول بیشتر نماینـده و وسـیله انتقـال می‌توانـد باشـد (مثـل چک بـانکی یـا سـفته) مضافـاً بر اینکه اگر متاع به عنوان مهر قرار داده شود نه تنها موجب ضـرر زن نخواهـد بود بلکه زمینه نزاع هم کمتر خواهد شد. علاوه بر مسـتندات گذشـته مبنی بر اولویت قرار دادن متاع به عنوان مهر به جای پول، تبصره ذیل ماده ۱۰۸۲ قانون مـدنی می‌باشـد. تبصـره: چنانچه مهریه وجه رایـج باشـد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری (صـفحه ۲۰۷) اسـلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند.

معلوم بودن مهر

یکی از نکاتی که باید از سوی زوجین هنگام عقد مورد توجه قرار گیرد مشخص بودن مهریه است که نباید ابهام و جهالتی در کار باشـد اگرچه لازم نیست به‌صورت دقیق تعیین گردد ولی بایـد به نحوی باشـد که موجب اختلاف و ضـرر برای زن نگردد اگر عقد بر مهری تعلق گیرد که روشن نباشد و در آن ابهام و جهل در کار باشد، مثل اینکه مهر یک زمین نامشـخص یا شیئی مجهول قرار گیرد در این‌صورت عقـد صـحیح است ولی مهر باطـل می‌گردد و بایـد مهر المثـل معین نمود. زیرا مهر از ارکـان عقد نمی‌باشد تا عقد هم فاسد گردد، اما مهر یک حق است که (صفحه ۲۰۸) باید مهر المثل طبق ادله، جایگزین مهر المسمیِ

مجهول گردد. از جمله ادله‌ای که می‌توان در مورد معلوم بودن مهر به آن استناد نمود روایاتی است که طبق آنها باید مهر به صورتی مشخص شود که رفع ابهام گردد، مثل صحیحه محمدبن مسلم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مردی مشخص می‌نماید که عوض از مهر به زن قرآن بیاموزد.(۱) همچنین اگر عقد منعقد گردد بر مهر مجهول مهر المثل تثبیت می‌شود مثل روایتی که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «اگر کسی ازدواج نماید با یک مهر مجهول، عقد فاسد نیست، اما برای زن ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، باب دوم از ابواب المهور، حدیث ۱. (صفحه ۲۰۹) مهر المثل است تا مادامی که از مهر السنه تجاوز نکند».(۱)

مهریه و ملکیت آن

مهر ملک زن است در ادیان گذشته خدمت و کار زوج برای پدر زوجه به عنوان مهریه قرار می‌گرفت مثل خدمت حضرت موسی علیه‌السلام برای حضرت شعیب که در قرآن آمده است. قالَ اِنّی اُریدُ اَنْ اُنکِحَکَ اِحْدَی ابْنَتَیْ هاتَیْنِ عَلی اَنْ تَأْجُرَنی ثَمانِیَ حِجَجٍ فَاِنْ اَتْمَمْتَ عَشْرا فَمِنْ عِنْدِکَ.(۲) ***** ۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، کتاب النکاح، صفحه ۹۷. (صفحه ۲۱۰) (شعیب) گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی محبتی از ناحیه توست. همان‌طوری که از این آیه شریفه استفاده می‌شود، حضرت شعیب علیه‌السلام از حضرت موسی علیه‌السلام می‌خواهد که به عنوان مهریه هشت سال برای او خدمت کند، اما این قانون در اسلام منسوخ شده است و قابل اجرا نیست و تمام مهر، ملک شخصی زوجه می‌باشد و نمی‌توان مهر و یا مقداری از آن را برای فرد دیگری حتی پدر و مادر زوجه قرار داد و آن مقدار که برای غیر زوجه به عنوان مهر ***** ۱- ۲۷ / قصص ترجمه از کتاب تفسیر نمونه جلد ۱۶، صفحه ۶۳، چاپ ۱۲ تابستان ۱۳۷۴. (صفحه ۲۱۱) معین شده باطل است و زوج الزامی به پرداخت آن ندارد و هیچ‌کس هم بدون اذن و رضایت زوجه مجاز به تصرف در مهر تصرف نیست. احتمالاً تا قبل از اسلام هم مهریه از آن پدر زن بوده نه از آن زن، در تأیید این مطلب در ذیل آیه شریفه ۴ از سوره نساء در تفسیر منهج الصادقین آورده است: «چون زن را به خودی می‌دادند مهر را برای خود می‌گرفتند و چیزی به زن نمی‌دادند و چون زن را به غریبه یم دادند آن را بر شتری می‌نشاندند، همان شتر را به آن زن می‌دادند و چیزی دیگر (از مهر) به او نمی‌دادند خداوند این آیه را نازل کرد: «وَ وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَکُمْ عَنْ شَیْءٍ مِنْهُ نَفْساً فَکُلُوهُ هَنیئاً مَریئاً»: بدهید زنان را مهر ایشان به خوشدلی و اگر زنان درگذرند به خوشدلی برای (صفحه ۲۱۲) شما از بعض مهر پس بخورید آن را سازگار و خوشگوارا. (۱) با نزول این آیه احکام سابق فسخ شد و دیگر کسی حق نداشت مهر زن را بدون رضایت قلبی او تصاحب کند. در تفسیر شریف لاهیجی فرمود: «مخاطب، اولیاء یتیمان است و مراد از نساء ایتام است» (۲) زیرا طبق فرموده صاحب تفسیر کشف الحقائق در زمان جاهلیت دختران یتیم را نگهداری می‌کردند، اگر صاحب مال و جمال بود به او رغبت کرده نکاح می‌کردند و اموال او را تصاحب می‌نمودند. (۳) ***** ۱- منهج الصادقین (تفسیر فارسی)، جلد ۲، صفحه ۴۳۲. ۲- شریف لاهیجی (تفسیر فارسی)، جلد ۱، صفحه ۴۳۳. (صفحه ۲۱۳) بین مفسرین در اینکه مورد خطاب در آیه شریفه کیست اختلاف است عده‌ای فرموده‌اند مخاطب والدین هستند و گروهی فرموده‌اند اولیاء یتیمان و گروهی دیگر فرموده‌اند شوهران هستند، در هر صورت مخاطب هر کس باشد حکم یکی است، یعنی مهر زن را به او بدهید و بدون طیب نفس او در مهر تصرف نکنید، اما اگر چنانچه زن از روی میل و بدون اکراه مهر را بخشید، به صورت گوارا تصرف کنید و هیچ اکراهی بر شما نیست. قراردادن

مهر یا قسمتی از آن برای پدر زن یا غیره (به جز زوجه) از دید فقهای عظام جایز نمی‌باشد بدون اینکه خلافی وجود داشته باشد در این راستا ***** ۱- کشف الحقائق، جلد ۱، صفحه ۳۲۸. (صفحه ۲۱۴) می‌توان به نظر مرحوم شیخ طوسی (ره) اشاره نمود: «اگر برای زن مهر قرار داده شود و برای پدر زن هم مقداری (از مهر) معین گردد ازدواج صحیح است بدون هیچ خلافی اما آن مقدار که برای زن قرار داده شده است واجب است بر مرد که اداء کند ولی مقداری که برای پدر زن معین شده واجب نیست و مرد اختیار دارد بپردازد یا نپردازد. مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید: «دلیل ما هم اجماع و روایات است». (۱) از نظر مرحوم شیخ استفاده می‌شود که در صورتی که مقداری از مهر برای پدر زن یا ولی او قرار داده شود به عنوان مهر نخواهد بود بلکه در حکم هبه یا بخشش ***** ۱- کتاب الخلاف، جلد ۳، کتاب الصداق مسأله ۳۱. (صفحه ۲۱۵) دیگری است که زوج در صورت تمایل می‌تواند بپردازد یا نپردازد، چون اگر از مهریه محسوب شود باید به زن بدهد و زن حق هرگونه تصرف بر مهر خود دارد.

حکم شیربها

در بعضی از بلاد متعارف است مبلغی را از داماد به عناوین مختلف مثل شیربها و پیشکش و هدیه و پدر وکیلی، مهر حاضر و ... گرفته می‌شود، که در این مورد لازم است توضیحی داده شود: اگر این مبلغ تحت هر عنوانی جزء مهر قرار گیرد به این معنی که پدر و مادر را در مهر شریک کرده باشند، فقط مقداری که برای زوجه معین شده به عنوان مهر محسوب و مابقی باطل و زوج الزامی به پرداخت ندارد (۱) اگر این مبلغ به ***** ۱- جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۲۹. (صفحه ۲۱۶) عنوان رضایت بستگان زوجه آن هم با طیب خاطر زوج هدیه شود در مقابل زحمات انجام شده در امر ازدواج برای گیرنده حلال است اما اگر زوج رضایت خاطر نداشته و علیرغم حصول رضایت خاطر دختر، تنها به خاطر رفع مزاحمت بستگان از انجام ازدواج ناچار به پرداخت وجهی یا مالی گردد وجه دریافتی یا مال شرعا حرام خواهد بود. (۱)

حبس مَهریه

یکی از مسائلی که در این فصل مورد بررسی قرار خواهیم داد عدم جواز ***** ۱- تحریرالوسیله، جلد ۲، صفحه ۲۹۹. (صفحه ۲۱۷) حبس مهر و لزوم پرداختن مهر، به زوجه در زمان مطالبه است. زیرا مهر برای زوجه حقی ثابت و دینی است برعهده زوج، در صورتی که مهر مدت نداشته باشد یا مدت آن تمام شده باشد زن حق مطالبه آن را دارد و زوج هم شرعا و عقلاً و قانونا موظف به پرداخت آن می‌باشد و حق تخلف و حبس آن را ندارد والا غاصب و گنهکار محسوب می‌شود. سرباز زدن از پرداخت مهریه زن و آن را با اجبار و اکراه و توأم با رنجش زوجه پرداخت نمودن، علاوه بر اینکه با فلسفه مهر (که قبلاً بحث شد) منافات دارد، مخالف با مفهوم آیه شریفه (فَاِنْ طِبْنَ) (۱) می‌باشد که باید مهریه را با طیب ***** ۱- ۴ / نساء. (صفحه ۲۱۸) خاطر و میل قلبی پرداخت نمود، در آیات شریفه‌ای که مربوط به مهر است تعابیر بسیار بالا و زیبائی در مورد مهر داریم که مفسرین بزرگ روی آنها عنایت خاصی نموده‌اند. همانطوری که قبلاً در ذیل آیه سوره نساء (۱) از قول مفسرین نقل شد، اولیاء زن یا اولیاء ایتام (یا همان‌طوری که قبل از نزول این آیه در گذشته مرسوم بوده) مهر را به زن نمی‌داده‌اند در این آیه اولیاء و شوهران مخاطب قرار گرفته‌اند، که مهریه زن را به آنها بدهید چون حق آنها می‌باشد، مگر اینکه با میل و رغبت خود چیزی از آن را به شما ببخشند. ***** ۱- لا جُناحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّساءَ ما لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ

تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِیضَـةً وَ مَتِّعُوهُن ترجمه: بدهیـد زنـان را مهر ایشان با خوشـدلی و اگر زنان درگذرنـد با خوشـدلی برای شـما از بعض مهر پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار. تفسیر منهج الصادقین صفحه ۴۲۳. (صفحه ۲۱۹) در این آیه شریفه نه تنها دستور پرداخت مهر به زن داده شده، بلکه با کلمه (نحله) کیفیت آن را هم بیان کرده است. یعنی به صورت هدیه‌ای شیرین و بـا طیب نفس و بـدون هیـچ مضـایقه و تعلل مهریه را به زن پرداخت نماییـد و همچنین هیـچ گونه منّتی و چشم داشتی نداشـته باشـید. ظاهر آیه آن است که آنچه مهر زنـان است بـدون مطـالبه آنهـا و محـاکمه و مخاصـمه بپردازیـد، چه اینکه در غیر این صورت، (نحله) شـیرین نخواهد بود و این خلاف دسـتور خداوند است. انسان مؤمن و پایبند به حقوق الناس، باید قبل از اینکه زن مهر خود را مطالبه بنمایـد هرچنـد زن بی‌نیاز از مهریه باشـد مهریه او را بپردازد حتی اگر نمی‌توانـد یکجا بدهد قسط بندی نموده و خود را بری الذمه بنماید اتفاقا در قانون (صفحه ۲۲۰) مدنی ماده ۱۰۸۳ فرموده است: برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می‌توان مـدت یـا اقسـاطی قرار داد. از مـاده فوق اسـتفاده می‌شود که لازم نیست مهریه یـک جـا پرداخت گردد بلکه می‌توان ضمن عقد برای پرداخت تمامی مهر اجل قرار داد و یا قسـمتی از آن را مدت‌دار و قسمتی دیگر حال قرار داد و قسمتی یا تمام آن را در ضمن عقد یا بعد از عقد قرار داد نمود که به صورت قسطی پرداخت شود که تأدیّه آن برای زوج سنگین نباشد، باید این فرهنگ دینی در میان جامعه ایمانی تثبیت شود که این خود موجب کنـد شدن سیر صـعودی و تعدیل مهریه خواهد شد و مشـکل بالا بردن به عنوان یک مانع ازدواج از سـر راه جوانان برداشـته خواهـد شد و دیگر شاهد آن نخواهیم بود که زن برای گرفتن مهر خود به دادگاه مراجعه کند و مهر در کام او (صـفحه ۲۲۱) تلـخ شود و یا به خاطر رهائی از آزار شوهر خود مجبور باشد مهریه‌اش را ببخشد، بدون اینکه پشتوانه مادی داشـته باشد. در روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام هر شیوه و روشی که موجب تضـییع مهریه زن شود به شـدت مورد نکوهش قرار گرفته و در ردیف اعمال ناپسـند و مذموم قرار داده شده اسـت که جهت تنبه به چنـد دسـته از روایات ذیلاً اشاره می‌شود: الف: غاصب مهر بخشـیده نمی‌شود: رعایت حقوق در اسـلام نشانه کرامت انسـان مؤمن است و مهم‌ترین حقی که بایـد رعـایت نمود و قابـل بخشـش نیست حق الناس است و نیز از مصادیق حق الناس مهریه می‌باشـد لـذا پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در حـدیثی فرمودند: «خداوند در روز قیامت هر گناهی را می‌بخشـد مگر مهر زنهـا را (اگر شـوهری (صـفحه ۲۲۲) آن را نپرداخته باشـد یـا زن آن را نبخشـیده باشـد».(۱) و در حـدیث دیگر که حضـرت علی علیه‌السـلام از قول پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نقل کرده‌انـد، اسـتفاده می‌شود: کسـی که مهریه همسـرش را ندهد غاصب است همانند کسـی که غصب احق اجیرش بنماید که نمی‌شود بخشید. (۲) کسی که غاصب اموال دیگران باشد علاوه بر اینکه گناهکار است اعمال شـرعی او هم مورد اشـکال است. امام خمینی (ره) در تعریف غصب فرموده‌انـد: «غصـب استیلاء بر چیزی اسـت ***** ۱- وسائل الشـیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۲. ۲- مسـتدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۷۲. (صفحه ۲۲۳) که مربـوط به غیر است از مـال یـا حق آن هم به صـورت عـدوانی». (۱) در کنز العرفـان در ذیـل آیه ۴ سوره نسـاء قول خداونـد (فَإِنْ طِبْنَ) فرموده: جمله فان طبن در آیه دلالت دارد بر عـدم جواز غصب مهر و مکر و حیله (جهت فرار از پرداخت) و اکراه و مجبـور نمـودن بر اینکـه زن مهر خـود را نگیرد. (۲) بنـابراین نپرداختن مهریه با عـدم رضایت زوجه یک نوع غصـب است و احکام غصب بر آن جاری خواهد بود مگر نپرداختن مهر از روی فقر باشد یا اینکه زن راضی باشد. ب: غاصب مهر در پیش خـدا، زانی اسـت ***** ۱- تحریرالوسیله، جلد ۲، صفحه ۱۷۲. ۲- کنز العرفـان فی فقه القرآن، جلـد ۲، صفحه ۲۰۲. (صفحه ۲۲۴) در بعضـی از روایـات زوجی که از پرداخت مهریه زوجه‌اش خودداری کنـد در نزد خـدا در حکم زانی شـمرده شـده است، چون او یک متجاوز به حـدود خداوند است. از جمله این روایات، روایتی است از امام صادق علیه‌السلام: «کسـی که ازدواج نماید با زنی و قصد دادن مهر را نداشـته باشد در نزد خداوند زانی می‌باشد». (۱) شاید بتوان ادعای حدیث فوق را

با روایتی که از حضرت علی علیه‌السلام در ذیل آیه شریفه (وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً) (۲) نقل شده است تبیین نمود، زیرا آن حضرت فرمود: «خداوند می‌فرماید بدهید مهری که به وسیله آن زن‌ها (همبستر ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۲. ۲ - ۴ / نساء. (صفحه ۲۲۵) شدن) بر شما حلال شدند، پس کسی که ظلم کند به زن‌ها در مهر آنها زانی محسوب می‌شود». (۱) ج: غصب مهر از پلیدترین گناهان است ستم وجود نسبت به کسی که قدرت دفاع ندارد و زیردست محسوب می‌شود از پست‌ترین گناهان است، به خصوص اینکه یک نوع جنایت به شریک زندگی باشد آن هم با اعتمادی که او نموده است لذا از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «پلیدترین گناهان سه چیز است، کشتن حیوانات و حبس و ندادن مهریه زن و ***** ۱- مستدرک الوسایل، جلد ۱۵، صفحه ۷۲. (صفحه ۲۲۶) منع ندادن مزد و اجرت اجیر».(۱) د: حبس مهر یک نوع دزدی است از آنجائی که مهر از هنگام انعقاد عقد نکاح بر ذمّه شوهر است که عندالمطالبه باید به زوجه بپردازد، چنانچه نپردازد در حکم سارقی است که آن را می‌رباید و به مالک آن (یعنی زوجه) نمی‌دهد لذا امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «کسی که مهری را تعیین کند و قصد دادن آن را نداشته باشد به منزله دزد می‌باشد».(۲) ***** ۱- مستدرک الوسایل، جلد ۱۵، صفحه ۷۲. ۲- مستدرک الوسایل، جلد ۱۵، صفحه ۲۱. (صفحه ۲۲۷) و در همین باره در روایتی، امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «دزدی سه قسم است؛ ندادن زکات و حلال شمردن مهر زن (یعنی ندادن آن به زوجه) و ندادن دین و قرض به صاحبش».(۱) در واقع روایت دوم توجیه می‌کند که چرا به غاصب مهریه دزد اطلاق می‌شود، زیرا مهریه در حکم دین و قرض در دست شوهر است که باید هنگام مطالبه به زوجه برگرداند و اگر امتناع نمود در حکم دزد می‌باشد. ه: غاصب مهر پیمان شکن است در زندگی مقدس‌ترین پیمانها پیوند زناشوئی است که گاهی در ضمن این ***** ۱- مستدرک الوسایل، جلد ۱۵، صفحه ۲۱. (صفحه ۲۲۸) پیمان مهر هم شرط می‌شود، پایبند بودن به شرط همان قدر ارزش دارد که پیوند زناشوئی ارزش دارد، گرچه به توصیه آیات شریفه، مؤمن باید پایبند به عهد و قرارداد خود باشد. به دلیل قول خداوند: و المؤمنون عند شروطهم. (۱) مؤمنین پایبند شروط خود هستند. نبی بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: اولی‌ترین شرطی که باید به آن وفا کنند آن است که آنچه به‌آن فرج حلال شده است تمام و کمال بدهند.(۲) در حدیث مناهی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که آن حضرت فرمودند: «کسی که نسبت به مهر زن ظلم کند در نزد خداوند زانی است، خداوند متعال ***** ۱- ... ۲- روض الجنان و روح الجنان (تفسیر فارسی قرآن)، جلد ۵، صفحه ۲۳۲. (صفحه ۲۲۹) در روز قیامت می‌فرماید: بنده من، بنده‌ام را بر عهد و پیمانم به ازدواج تو درآوردم (اجازه دادم با او ازدواج کنی) و تو به عهدت وفا نکردی (مهرش را ندادی) و ظلم کردی، پس از حسنات او (مرد غاصب مهر) می‌گیرد و به زن می‌دهد به اندازه حق آن زن، اگر حسنات مرد کفایت نکرد او را وارد بر آتش می‌گرداند به جهت پیمان‌شکنی چون از هر پیمانی پرسش خواهد شد (آیا وفا شد یا خیر)». (۱) از این حدیث روشن می‌شود که اگر در مورد مهر پیمان‌شکنی شود حساب مرد پیمان‌شکن با خداوند است؛ چون شاید زن نتواند حق خود را بگیرد. ***** ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۲. (صفحه ۲۳۰)

فهرست منابع و مآخذ

تفسیر جوان، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۲. تفسیر جوان، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۱۷. تفسیر جوان، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۳. تفسیر جوان، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۴. تفسیر جوان، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۵. تفسیر جوان، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۱۳. تفسیر جوان،

محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۱۴. تفسیر جوان، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۱۶. تفسیر جوان، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد۲۴. (صفحه ۲۳۱) تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد۳. تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد۸. تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد۷. تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد۲. تفسیر نمونه، آیت‌اللّه مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۷. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۳. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۴. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۷. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۸. (صفحه ۲۳۲) تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۹. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۱۴. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۱۸. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۲. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۸. تفسیر بیان، محمد بیستونی، اوّل،تهران، انتشارات فراهانی، ج ۲۹. زن و عدالت اجتماعی، رفسنجانی، انتشارات صفیر صبح، ۱۳۸۰، چاپ اول. مسائل ازدواج و حقوق خانواده در اسلام، بابا زاده، اکبر. ازدواج موقت در اسلام مباحثی از حقوق زن

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت

اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰ ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹